

کتاب جنائز

سوال و جواب

دفن جنازه، فاتحه خوانی، تعزیت، شیوه های ثواب رسانی به

مردہ مسلمان

تألیف: شیخ فضل الله ممتاز

رهنمائی شرعی در مورد اعلانات فوتی

یکی از دوستان از ولایت هرات چنین سوال نموده:

کسی فوت نموده خطیب صاحب محترم کارت جنازه اش را در منبر نمازه جمعه قرائت نمود آیا این عمل اش مشکل دارد یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اعلان فوتی و خبر دادن بخاطر غسل دادن، تکفین و نماز جنازه و دفن میت در بعض حالات بدرجه وجوب میرسد اگر هدف از این اعلان رسیدگی به امور فوق الذکر باشد تا اینکه تکفین، نماز جنازه و دفن تأخیر نشود.

و این امر از حقوق میت مسلمان است و کسی که مردم بخاطر حضور جنازه و تکفین و تدفین تشویق و ترغیب میدهد نیز اجر و ثواب شامل حالش می شود.

نیز اعلان فوتی در حالت عادی مستحب میباشد از اینکه جمعی کثیر از مردم برای میت دعای مغفرت کنند و به نماز جنازه حاضر شوند و از الله متعال استدعاء نمایند که او را جنات الفردوس نصیب فرماید. این نوع اعلان فوتی در صحیح بخاری و مسلم هم ثابت است و رسول الله صلی الله علیه وسلم وفات نجاشی را در جمعی از صحابه کرام اعلان نمودن اَبی هریره: " أن النبي صلى الله عليه وسلم، نعى النجاشي في اليوم الذي مات فيه، خرج إلى المصلى، فصف بهم، وكبر أربعاً ^۱".

همچنان رسول الله صلی الله علیه وسلم از اعلان فوتی بشیوه های جاهلیت منع نموده که شامل بلند کردن صدا، گریه و نالان و بی صبری بوده باشد.

بهتر این است که در اعلانات فوتی از مال و دارایی منصب و چوکی میت یاد نشود .

۱ - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجنائز، باب الرجل يعنى إلى أهل الميت بنفسه، رقم الحديث: (۱۲۴۵)، (ج ۲، ص ۷۲).

اما بعض فقهای مذهب حنفی اعلانات فوتی را حتی در سرک، بازارها، و کوچه ها جائز میدانند در صورتیکه شامل مدح میت نباشد تنها اعلان حضور در تکفین و نماز و دفن جنازه باشد.

همچنان به هدف خبر دادن و مطلع ساختن نمازگزاران مسجد از نماز جنازه و حضور یافتن در دفن و تکفین و تعزیت دادن اهل میت این اعلان در داخل مسجد و از منبر مسجد هم جواز دارد و مقید بر اینکه است که شامل بی صبری، گریه و نالان و شیوه های جاهلیت نباشد.

نیز اعلانات فوتی از طریق وسائل ارتباط جمعی مثل تلویزیون، رادیو، صفحات تواصل اجتماعی مثل فیسبوک، توئیتر و سایتهای انترنیتی نیز جواز دارد و مشروع است مشروط بر اینکه به شیوه های جاهلیت نباشد.



آیا شوهر و زن بعد وفات یکدیگر را غسل داده می تواند؟

یکی از دوستان سوال نموده:

آیا شوهر و زن یکدیگر را بعد از وفات غسل داده می تواند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

نزد جمهور فقهاء برای زن و شوهر جواز دارد که یکدیگر را غسل دهد و تکفین کند، بدلیل حدیث صحیح عن عائشة رضی الله عنها قالت: " رَجَعَ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ جِنَازَةٍ بِالْبَقِيعِ وَأَنَا أَجِدُ صُدَاعًا فِي رَأْسِي وَأَقُولُ : وَارَأَسَاهُ ، فَقَالَ : بَلْ أَنَا وَارَأَسَاهُ ، مَا ضَرَّكَ لَوْ مِتَّ قَبْلِي فَعَسَلْتُكَ وَكَفَّنْتُكَ ، ثُمَّ صَلَّيْتُ عَلَيْكَ وَدَفَّنْتُكَ " ۲، در این حدیث بصورت

۲ - أخرجه البيهقي في الكبرى، كتاب الجنائز، باب الرجل يغسل امرأته إذا ماتت، رقم الحديث: (٦٦٥٩)، (ج ٣، ص ٥٥٥).

واضح رسول الله صلی الله علیه وسلم به عائشه رضی الله عنه فرمودند که اگر از سردردی وفات کنی ترا غسل میدهم و تکفین میکنم و جنازه ات را خوانده دفن میکنم.

و در اثر ثابت است که فاطمة رضی الله عنها وصیت نموده بود او را علی رضی الله عنه غسل دهد بعد از مرگ، وعن أسماء بنت عمیس رضی الله عنها: "أَنَّ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا أَوْصَتْ أَنْ يُغَسَّلَهَا عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ"^۳.

لیکن دو نفر از امامان فقه ابوحنیفه و سفیان ثوری گفته اند برای شوهر جواز ندارد که بعد از وفات خانم وفات شده خود را غسل دهند، زیرا زن و شوهری شان بعد از وفات قطع شده مثل اینکه طلاق بائن وابدی رخ داده باشد و هر دو بیگانه شده باشند.

اما در مورد غسل دادن زن شوهرش را بعد از وفات امام نووی اجماع و اتفاق علماء را نوشته که جواز دارد، و نیز فقهای معاصر غسل دادن هردو را بعد از وفات جواز داده.

به نظر من باید به هردو قول عمل شود که اگر در حالت وفات زن، زنان و خواهران مرده شوی وجود نداشته باشند و محارم زن وفات شده نیز نباشد در این صورت شوهرش او را غسل دهد و تکفین کند، اما اگر زنان و خواهران وجود داشته باشند باید شوهرش نزدیک نشود و این بهتر است، که زنان او را غسل دهند، نیز یک امر طبیعی است که اگر زنان نباشند از مردان بیگانه و بدون غسل دادن کرده شوهرش او را غسل دهد.



جنازه خنثی مشکل

جنازه ایزک را مرد باید بشوید یا زن از من کسی پرسان کرد مطابق فقه حنفی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

^۳ - أخرجه الدارقطني في سننه، كتاب الجنائز، باب الصلاة على القبر، رقم الحديث: (١٨٥١)، (ج٢، ص٤٢٧).

اگر طفل باشد برای زن و مرد مشروع است که او را غسل دهند، اما اگر بالغ و جوان و کلان باشد باید تیمم داده شود و تکفین گردد.



شیوه و طریقه شرعی نقل دادن میت دفن شده از یکجا به جای دیگر

یکی از دوستان سوال نموده که :

سوال داشتم اگر راهنمایی کنید خوشحال می شوم، یک انسان مسلمان دوازده سال در یک مقبره در یک منطقه دفن حالا از آنجا سرک عمومی میگذرد کار جریان دارد وارثان میت می خواهند در یکجای انتقال بدهند شیوه انتقال چی قسم است آیا کدام مراسم خاص دارد یا خیر؟ خداوند متعال به علم تان برکت بدهد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نقل دادن میت و مرده دفن شده از قبر فعلی به مقبره دومی در صورت ضرورت شرعی جواز دارد.

بدون ضرورت شرعی قبر کشائی و نقل دادن مرده دفن شده جواز ندارد زیرا دلا حق مرده بی می شود، و حرمت مرده برابر به حرمت زنده ها است بلکه بیشتر است زیرا مرده از خود دفاع کرده نمی تواند.

مثلا اگر در راه رفت و آمد مردم دفن شده باشد و اذیت شود، و یا جای سیلاب باشد، و یا خطر این باشد که دزدان استخوانهایش را دزدی نمایند، و ترس بی حرمتی اش باشد، و یا در زمین ملکیت کسی دفن شده باشد، یا در بین غیر مسلمانان باشد.

بهتر است که برایش تابوت ساخته شود و توسط اشخاص ماهر و دیندار و امانت کار قبر باز شود و به آهستگی نقل داده شود و در فضای محترمانه دفن شود.

تنها احتیاط و اهتمام و احترام در نقل میت لازم است که اذیت نشود و این شرط است در نقل دادن میت، و کدام مراسم خاص ندارد اگر یک مولانا و عالم دینی باشد بهتر که سرپرستی این کار را کند خوب می شود، زیرا وجود عالم شرعی در چنین حالات بهتر است.



موقف شریعت در مورد جنازه خواندن و اعاده دفن اموات

یکی از دوستان نوشته که:

استاد سلام! درباره مرده صد ساله دوباره جنازه خواندن شریعت چی میگه؟

دوستی دیگری سوال نموده که:

لطفا درباره قبر پرستی و مجلل نمودن قبر چیزی اسلام گفته است انر توضیح نمایید و همچنان در باره ازیت و آزار که در حادثه دیروز و کشتن دو طرف صورت گرفته آنرا هم از نگاه دین مبارک ذکر نمایید.

آیا اسلام جواز داده میت یا مرده که سر آن صد سال بگذرد بعدا انر سر دوباره ترمیم شود و آنرا به خاک بسپاریم یعنی در حالیکه شاید آثار شان هنوز نمانده باشد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صورت که میت ومرده به شکل صحیح ودرست ودر جای مناسب دفن نشده باشد ودر جای باشد که مورد اهانت قرار گیرد ومورد آزار واذیت رهگذر ویا رمه های مال وغیره از سر قبر شان عبور ومروور کند ویا اینکه اصلا مطابق رهنمودهای شرعی در جنائز دفن نشده بر اثر زور وفشار ومشکلات سیاسی ونظامی وغیره... وارثین آن شرعا اجازه دارند که میت را در جای مناسب وموثوق ومعتمد وبه شکل مکرم ومعزز دفن کنند وجنازه بخوانند. واحادیث صحیح ووقائع تاریخی وجود دارد که شریعت اجازه داده وحدود زمانی تعیین نشده .

لیکن باید قبرها ساده باشد ومجمل نشود، ونیز زیارتگاه ساخته نشود وتعظیم وتبرک صورت نگیرد .



شروط اشتراک خانمها در نماز جنازه

یک خواهر محترمه هموطن ما مقیم جرمنی چنین سوال نموده است:

استاد محترم در اروپا وامریکا الحمدلله مساجد زیادی است که نظر به اقتصاد کشور های مساجد سالون های کلان برای خانم ها جدا ساخته شده که زن ها هم به مسجد میروند مگر امام مسجد مرد ها جدا هستند صدا امام را با لا دسپیکر های بلند میشنوند سوال این است که نماز جنازه را هم خانمها چند متر دور تر پشت مرد ها میخواند

آیا به خانم ها هم اجازه است نماز جنازه را بخوانند ودوم بعد از نماز جنازه خانم ها به خانه های خود میایند تا دفن کردند به خانم ها اجازه نمی دهد خانه میانند آیا غسل واجب می شود بر خانمها بعد از نماز جنازه وباید نماز جنازه را خانمها هم بخوانند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

نماز جنازه برای مرد وزن مسلمان مشروع است البته بر مردها فرض کفائی است، زیرا این نماز دعای مغفرت برای میت مسلمان میباشد، و مرد وزن مسلمان می تواند که در ادای نماز جنازه شریک شوند البته با داشتن صفهای خاص و جداگانه و هیچ مانع و حرج شرعی وجود ندارد از اینکه خانمها نماز جنازه را ادا کنند، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است که مسلمان که نمازه جنازه را ادا کند و در وقت ادای این نماز حضور یابد به اندازه یک کوه ثواب کمائی میکند و مسلمان که بعد از ادای نماز همراهی جنازه را می کند تا به دفن شدن در مقبره ثواب و اجر به اندازه دو کوه را بدست میاورد البته متابعت جنازه و رفتن به مقبره و همراهی کردن خاص برای مردان است نه به زنان: "من شهد الجنایة حتی یصلی علیها فله قیراط، ومن شهدها حتی تدفن فله قیراطان، قیل: یا رسول الله وما القیراطان؟ قال: مثل الجبلین العظیمین".^۴

و برای زنان و خانمها همراهی کردن جنازه تا به مقبره و حضور یافتن بخاطر دفن آن لازم نیست بلکه مکروه است، در حدیث صحیح از ام عطیه رضی الله عنها روایت است که ما را رسول الله صلی الله علیه وسلم از همراهی کردن جنازه منع کرده است و بر ما لازم نیست: "نهینا عن اتباع الجنائز ولم یعزم علینا"،^۵ همراهی کردن زنان جنازه را فقهای صحابه و تابعین نیز مکروه دانسته اند از جمله عبد الله بن مسعود، عبد الله ابن عمر، أبو امامه، عائشه، مسروق، نخعی، اوزاعی، اسحاق، و نیز در حدیث صحیح ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی مجموعه از خانمها را دید که به انتظار جنازه هستند به نیت اینکه جنازه را همراهی کنند رسول الله صلی الله علیه آنها را از این کار منع نمود و برای شان گفت که برگردید با گناه و بدون اجر و ثواب: "وروی أن النبی صلی الله علیه وسلم خرج فإذا نسوة جلوس قال: "ما یجلسکن؟" قلن: ننتظر الجنایة قال: "هل تغسلن؟" قلن: لا. قال: "هل تحملن؟" قلن: لا. قال: "هل تدلین فیمن یدلی؟" قلن: لا. قال: "فارجعن مأزورات غیر مأجورات"،^۶ البته علت منع شدن خانمها از همراهی جنازه همانا اینکه آنها عورت هستند، و نیز بخاطر

^۴ - أخرجه مسلم فی صحیحہ، کتاب الجنائز، باب فضل الصلاة علی الجنایة واتباعها، رقم الحدیث: (۹۴۵)، (ج ۲، ص ۶۵۲).

^۵ - أخرجه البخاری فی صحیحہ، کتاب الجنائز، باب اتباع النساء الجنائز، رقم الحدیث: (۱۲۷۸)، (ج ۲، ص ۷۸).

^۶ - أخرجه ابن ماجه فی سننه، کتاب الجنائز، باب ما جاء فی اتباع النساء الجنائز، رقم الحدیث: (۱۵۷۸)، (ج ۱، ص ۵۰۲).

جلوگیری از بی صبری و نیاچه، زیرا آنها عاطفی هستند ممکن است که از نزد آنها بی صبری سر زد شود.

حتی نماز جنازه بر خانمان فرض و واجب و جبری نیست تنها مشروع است مثل سائر نمازهای جماعت و ملا امام حق ندارد که نماز جنازه را بر خانمها جبری سازد بلکه می تواند که آنها را از اجر و ثواب اخروی ادا کردن جنازه با خبر نماید و تشویق کند و ترغیب دهد، همچنان غسل کردن بعد از ادای نماز جنازه واجب نیست حتی وضوء کردن هم لازم و مستحب نیست، تنها بالای کسانی وضوء واجب است که جنازه را لمس کرده باشند، غسل داده باشند و جنازه را حمل کرده باشند و در دفن آن شرکت داشته باشند، البته غسل برای آنها مستحب است اما وضوء کردن واجب است زیرا با لمس کردن و غسل دادن و حمل کردن جنازه انسان ضعیف میشود و بر هوش و هواسش تأثیر وارد می گردد و غسل نمودن و تجدید وضوء دوباره او را به حالت عادی بر میگرداند و به این معنی نیست که جنازه مسلمان نجس است بلکه واجب بودن وضوء و مستحب بودن غسل بعد از لمس، و غسل دادن جنازه و همراهی کردنش و شرکت در دفن آن بخاطر تجدید نشاط و حالت روانی خود مسلمان است نه به سبب جنازه میت مسلمان که در هر صورت کرامت دارد .



طریقه شرعی تکفین و دفن جنازه شهداء در روشنی مذهب حنفی

یکی از منسوبین آمریت عقیدتی قول اردوی شاهین از شمال افغانستان سوال نموده

:

استاد بزرگوار وظیفه من در بخش آمریت عقیدتی اردوی ملی قول اردوی ۲۰۹ شاهین است و از فتاوی دینی شما در درسهای عقیدتی خود استفاده میکنیم لطف نموده مارا در مورد تکفین و شیوه دفن شهدای اردوی ملی مطابق مذهب امام اعظم صاحب

رهنمایی کنید چپ وقت غسل داده می شوند و چپ وقت غسل داده نمی شوند و با کدام لباس دفن شوند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

ازینکه شیوه و طریقه تکفین میت و جنازه شهداء از مرده های عام مسلمانان در بعض موارد فرق دارد و دانستن آن امر لازمی و ضروری است تا اینکه این حق آنها در تکفین و دفن نمودن ضایع نشود، و شهید مسلمانی است که در نبردگاه حق علیه باطل کشته شود و یا او را در نبردگاه و میدان جنگ با آثار زخم مرده ببابند و توسط غیر مسلمانان یا باغیان کشته شده باشد، و باید در تکفین و جنازه آن امور ذیل در نظر گرفته شود:

۱- به هر وسیله که کشته شده باشند غسل داده نمی شوند.

۲- اگر در حالت جنابت کشته شده باشد باید غسل داده شود.

۳- خونس شسته نمی شود لباس و دریشی اش جز پوستین و سلاح و بوتها و موزه از تنش کشیده نمی شود، اگر می خواهند از لباسش کم کنند باید به همان اندازه از کفن بر بدنش بیفزایند.

۴- اگر بعد از زخم برداشتن و اصابت مردمی دشمن در بدنش به اندازه وقت بر آن بگذرد که بخورد و بنوشد و یا وقت نماز بر او بگذرد و یا مداوی گردد زنده بماند و بی هوش نباشد نیز باید شسته شود.

۵- نماز جنازه اش را بخوانند.

۶- هنگام نقل و انتقال اجساد شهدای اردوی ملی از میدان های نبرد باید به اجساد آنها آسیب نرسد و احترامانه نقل و انتقال داده شوند زیرا حرمت مرده ها مثل زنده ها است.

۷- نصب کردن عکسش بر تابوتش و یا بیرق زدن بر قبرش جایز و مشروع و مطابق سنت نیست.

۸- کسانی که در شهر و دهات و قریه جات در حالت مرده یافت میشوند و یا اینکه در قصاص قضائی کشته می شوند نیز شسته و کفن پوشانیده میشوند و حکم شهدای میدان جنگ و نبرد را ندارند.



آیا خواندن نماز جنازه یک میت دو مرتبه جواز دارد؟

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده :

شخصی فوت کرده بود، در حین دفن کردن مردم دیدند که چشم هایش باز بسته میشود؛ فکر کردند زنده است، دوباره میت را به شفاخانه بردند داکتر گفت که فوت کرده است زنده نیست قبلاً جنازه اش خوانده شده بود حالا نماز جنازه یک بار دیگر خوانده شود یا خیر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

باید بدانیم که :

اولاً: نماز جنازه که خوانده شده اعاده نمی شود در نزد همه فقهای مذاهب چهارگانه.

ثانیاً: کسانی که در یک جماعت نماز جنازه اشتراک کردند برای آنها همین کافی است و در نماز دومی جنازه همین شخص اشتراک نکنند.

ثالثاً: در مذهب حنفی باید یک جنازه خوانده شود مگر اینکه اقارب میت در جنازه اولی نبوده باشند و نیز ولی امر و حاکم وجود نداشته باشد درین صورت آنها دوباره نمازه جنازه را خوانده می توانند.

رابعا: در مذهب امام شافعی و حنبلی جواز دارد برای کسانی که در نماز جنازه اولی شرکت نکردند و ناوقت رسیدند بسبب دوری راه و غیره اعذار برای شان مشروع است که نماز جنازه را دوباره بخوانند.

خامسا: نماز جنازه غائبانه نیز جواز دارد و مشروع است.



نماز جنازه غائبانه

یکی از دوستان محترم سوال نموده :

نماز جنازه غائبانه چه حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

نماز جنازه غائبانه مشروع و جائز است.

در صحیحین بخاری و مسلم ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم با مجموعه از صحابه وفات نجاشی رضی الله عنه را اعلان نمودند و جنازه غائبانه اش را ادا کردند، و این دلالت صریح به مشروعیت جنازه غائبانه میکند.

ادای نماز جنازه در داخل مسجد

یکی از دوستان از حکم خواندن نماز جنازه در مسجد سوال نموده خصوصا در حرمین شریفین و کشورهای اسلامی جنائز در مساجد ادا می شود.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

این مسأله مختلف فیه است نزد فقهاء جمهور فقهاء از جمله امام شافعی و أحمد بن حنبل و اسحاق و فقهای معاصر به این نظر هستند که نماز جنازه در داخل و خارج مسجد جواز دارد به بشرطیکه مسجد بی نظافت نشود، و در احادیث صحیح و سنت عملی ثابت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز های جنازه را در داخل و خارج مسجد خوانده، از جمله حدیث صحیح که رسول الله صلی الله علیه وسلم جنازه صحابی سهیل بن بیضاء را در داخل مسجد ادا کرد.

اما امام ابوحنیفه و امام مالک به این نظر هستند هستند که خواندن نماز جنازه در داخل مسجد مکروه است. و از حدیث که ابو دواد روایت کرده استدلال نموده اند که: "من صلی الجنائزۃ فی المسجد فلا شیء له"^۷ کسی که در مسجد نماز جنازه را بخواند چیزی بدست نمی آورد یعنی ثواب کامل را نمی گیرد، لیکن فقهای معاصر این روایت را ضعیف دانسته و روایت صحیح این حدیث این است که: "من صلی الجنائزۃ فی المسجد فلا شیء علیه"^۸ یعنی کسی جنازه را در مسجد ادا کند باکی ندارد.



خواندن نماز جنازه بدون خواندن سوره فاتحه درست است

یکی از دوستان از ولایت تخار سوال نموده:

آیا بدون فاتحه نماز نمیشود اگر مقتدی به همراهی امام باشد باید فاتحه را بخواند یا نی

و در نماز جنازه هم فاتحه خوانده میشود یا نه؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

^۷ - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الجنائز، باب الصلاة على الجنائز في المسجد، رقم الحديث: (۳۱۹۱)، (ج ۳، ص ۲۰۷).

^۸ - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الجنائز، باب الصلاة على الجنائز في المسجد، رقم الحديث: (۳۱۹۱)، (ج ۳، ص ۲۰۷).

نماز جنازه بدون خواندن سوره فاتحه درست است زیرا که این نماز عبارت از دعاء بخاطر مغفرت و ثواب رسانی به میت مسلمان است و نماز که بمعنای حقیقی که رکوع و سجده داشته باشد نیست، اما اگر کسی سوره فاتحه در نماز جنازه بخواند ثواب دارد و جائز و مشروع است نزد جمهور فقهاء.

آوردن کفن آلوده با آب زم زم کدام فضیلت و ثواب ندارد

یکی از هموطنان عزیز سوال نمود:

آوردن کفن که آلوده با آب زم زم باشد کدام ثواب دارد و که گناه میت یا عذابش را در قبر کم میسازد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

آوردن کفن آلوده با آب زم زم کدام فضیلت و ثواب ندارد.

این کار در شریعت مشروعیت ندارد و در حدیث صحیح و سنت عملی و یا عمل صحابه و علماء ثابت نیست، بهتر است که مسلمان اعمال خود را مطابق سنت رسول الله صلی الله بکند که راهی بهشت و جنت شود نه بوسیله کارهای که ثابت نیست و مشروعیت ندارد و بدعت و نوآوری شمرده میشود.

البته وضوء کردن و غسل نمودن با آب زم زم جایز و مشروع است و در آن مانع و حرج شرعی نیست.

مسلمان باید از نعمتهای دنیایی به اندازه استفاده کند که در سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم ثابت است نه استفاده نامشروع و نوآوریها در دین و کشاندن آن به شیوه های انحرافاتی و خرافاتی و مخالف شریعت.

د زم زم په اوبو لوند شوی کفن کوم فضیلت او ثواب نلري

يوه گران هیوادوال مو پوښتنه کړې ده:

د زم زم په اوبو لوند شوی کفن راوړل کوم ثواب لري او که د مړي گناه يا عذاب په قبر کې کموي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

د زم زم په اوبو لوند شوی کفن راوړل کوم فضيلت او ثواب نلري، دا کار په شريعت کې مشروعيت نلري او په صحيح حديثو، عملي سنتو او يا د صحابه ؓ او علماؤ له عمل څخه هم ثابت نه دي.. بهتره دا ده چې مسلمان خپل اعمال د رسول الله صلی الله د سنتو مطابق کړي ترڅو جنت ته ولاړ شي؛ نه د هغه کارونو په وسيله چې ثابت نه دي او مشروعيت نلري بلکه بدعت او نوي والی شمېرل کېږي.

البته د زم زم په اوبو اودس او غسل کول جايز او مشروع دي او په هغې کې شرعي مانع او حرج نشته.

مگر مسلمان بايد له دنيوي نعمتونو څخه په هغه اندازه استفاده وکړي (گټه واخلي) چې د رسول الله صلی الله عليه وسلم له سنتو ثابت وي، نه دا چې نامشروع استفاده ترې وشي، په دين کې نوي والی راوړي او يا دا چې انحرافاتي، خرافاتي او د شريعت مخالفو طريقو ته واړول شي.



آيا دفن کردن جنازه هنگام شب مکروه ويا حرام است؟

یکی از دوستان چنین سوال نموده:

شنیدم که دفن جنازه در شب مکروه است.. آیا این درست است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

دفن کردن جنازه میت هنگام شب جواز دارد و مشروع است در صورتیکه در غسل دادن، تکفین، نماز جنازه اش کوتاهی نشود و حقوق میت و مرده مسلمان پامال نگردد. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم بعض اموات را هنگام شب دفن کرده، و جنازه آنحضرت صلی الله علیه وسلم هنگام شب دفن شده، نیز جنازه هر دو خلیفه مسلمانان ابوبکر صدیق و عثمان بن عثمان رضی الله عنهما در شب دفن شده. این همه دلالت بر مشروع بودن دفن میت هنگام شب میکند بشرطیکه آداب شرعی دفن مراعات شود و حق میت ادا گردد و کوتاهی صورت نگیرد.

اما اگر حقوق میت پامال شود و بشکل درست و صحیح حقوق جنازه آن ادا نشود و در غسل، تکفین، نماز جنازه و دفن کوتاهی شود در این حالت دفن کردن مکروه است حتی حرام هم شمرده شده در نزد بعض از علماء زیرا در حدیث صحیح که امام مسلم روایت کرده رسول الله صلی الله علیه وسلم از دفن کردن جنازه در شب منع کرده تا اینکه نماز جنازه اش خوانده شود: " عن جابر بن عبد الله رضي الله عنهما أن النبي صلى الله عليه وسلم زجر أن يقبر الرجل بالليل حتى يُصلى عليه"^۹.

اگر نماز جنازه اش خوانده شود دفن کردنش جائز و مشروع است .



آیا فاتحه خوانی و تعزیت دادن به شکل مروج فعلی اساس شرعی دارد؟

این سوال را چند تن از دوستان که در بین شان علماء و دانشمندان هم است مطرح کردند، و بعد از بحث و تحقیق و مناقشه همه جانبه و در همه پهلوهای شرعی آن برای شان نوشتیم که در مجموع فاتحه و تعزیت برای مسلمان سنت است و کاری خوب و مرغوب

^۹ - صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب فی تحسین کفن المیت، رقم الحدیث: (۹۴۳)، (ج ۲، ص ۶۵۱).

است و مسلمان اجر و ثواب شامل حالش می شود که اگر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و صحابه کرام درین مراسم برود و یا آنرا برگزار کند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

آداب تعزیت این طور آمده در سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و عمل کرد صحابه.

۱- تعزیت از وفات و دفن جنازه شروع می شود و برای سه روز می باشد، و برای اهل و خوانواده مرده گفته می شود که "عظم أجرکم و غفر لمیتکم" خداوند شما را اجر بزرگ نصیب کند و میت و مرده شما را مغفرت کند، و ایشان را به صبر و شکیبای و صبر و استقامت دعوت نموده و اینکه مردن حق است و مسلمان باید به قضاء و قدر تسلیم شود، و برای کسانی که در ساحه استند تا به سه روز می توانند که تعزیت دهند و منصرف شوند، و کوشش کنند که در خانه اهل میت نان خوری ننمایند و آنها را به زحمت و تکلیف نسازند، و بعد از سه روز تعزیت نکنند که غم اهل میت تازه نشود.

۲- اقارب و همسایه ها و دوستان برای اهل خانه میت نان پخته و آماده شده ببرند.

۳- اهل میت و مرده را در ضمن تسلیت دادن از گریه و نالان و بی صبری خصوصا کالا پاره کردن و یخن پاره کردن منع شود، و این عمل مطابق شریعت نیست بلکه از عادات جاهلیت است، و مسلمان در صورت و در خوشی و غم در دائره و چوکات شریعت بماند.

۴- اگر کسی مسافر باشد می تواند بعد از بازگشت از سفر خانواده میت را تعزیت دهد البته در مدت کوتاهی فقط.

لیکن متأسفانه در فاتحه خوانی های مروج کشور ما بعض عادات و تقالید و عمل کرد های آن اساس و دلیل شرعی ندارد مثلا:

۱- در مجلس فاتحه خوانی قرآن کریم خواندن توسط قراء هیچ دلیلی وثبوتی شرعی ندارد و اصلاً ثواب و اجر خواندن قرآن کریم دیگران به مرده نمی رسد نظر به قول راجح علماء .

۲- برگزاری محفل جمعگی و چهل و محفل سالی و خیرات ها درین روزها هیچ دلیلی شرعی ندارد .

۳- پوشیدن لباس سیاه و یا ترک کردن کار و زندگی و وظیفه و الغاء نمودن بر و پروگرامهای حیاتی مثل عروسی ها و شیرینی خوری ها خواستگاری و غیره، را به دلیل اینکه فلان مردم مرده دار هستند، این همه در شریعت جواز ندارد و گناه کبیره شمرده می شود.

از صحابی جلیل جریر بن عبد الله البجلی رضی الله ثابت شده که ایشان فرمودند: " کنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعة الطعام بعد دفنه من النياحة "، حتی برگزاری این نوع محافل و خیراتها و طعام خوری ها را در منزل و خانه اهل مرده را ما از نياحة یعنی بی صبری و عادات جاهلیت می شمردیم و مردم را منع می کردیم که در اعمال و رفتار و شیوههای جاهلیت نرسند.



خواندن سوره یس بالای مرده و یا مریض در حالت جان کندن در حدیث صحیح ثابت نیست

یکی از دوستان نوشته که :

۱۰ - أخرجه أحمد في سننه، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، رقم الحديث: (٦٩٠٥)، (ج ١١، ص ٥٠٥).

مردم سوره یسن شریف را بالای مرده و مریض در حالت مریضی سخت می خوانند که آسان کند بالایش آیا همی صحیح است استاد؟
دوست دیگری از کوته سنکی کابل نوشته که :

سلام علیکم مولوی صاحب من که هر کار را شروع می اول یاسینی شریف را ختم میکنم و از خداوند ج خیری خود را طلب میکنم، من گفتم که از شما پرسان کنم، که کاری نکنم که باعث خشم خداوند ج شوم آیا جایز است که من هر کار را با خواندن یاسینی شریف کنم؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

حدیث " اقرءوا یس علی مَوْتَاكُمْ " ۱۱ یاسین را بالای مرده های تان بخوانید ضعیف است ثابت نیست.

بالای مرده قرآن خواندن بدعت است در دین اصل ندارد.

باید متوجه باشیم که در مورد فضائل سوره یس احادیث موضوع ضعیف زیاد است که صحت ندارد و ثابت نیست و تنها فضیلت سوره یسن همین است که یکی از سوره های قرآن کریم است و در فضیلت قرآن کریم شامل است، و باید تلاوت شود و خوانده شود و تفسیر و ترجمه شود لیکن به نیت قرآن کریم نه به نیت عمل کردن به احادیث ضعیف و موضوع.

در مورد سوره یس آنقدر مردم به غلط فهمی روان هستند که حتی سوره های دیگری قرآن کریم را فرموش نموده تنها یس شریف دارند که این مفهوم نادرست است

۱۱ - أخرجه أبو داود في سننه، كتاب الجنائز، باب القراءة عند الميت، رقم الحديث: (۳۱۲۱)، (ج۳، ص ۱۹۱).

وقرآن کریم را تنها به سوره یس خلاصه کرده اند، در نتیجه این احادیث ضعیف و غلط فهمی مردم.

بالای مریض خواندن قرآن کریم کار خوب است هر سوره که باشد خصوصا سوره بقره و آیه الکرسی، و سوره قل أیها الکافرون، و سوره اخلاص و سوره الفلق والناس، و خواندن سوره یسین نیز جائز است به نیت خواندن قرآن کریم نه به نیت اینکه در حدیث ثابت است این کار.

نیز در شروع هر کار نو و جدید و یا غیر جدید سوره یس خواندن در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت نیست، فقط بعد از بسم الله خواندن توکل به خداوند ضروری است و دعاء شود که الله متعال کار مسلمان را آسان سازد، و نیز بیشتر کارهای و عادات زندگی انسان دعای مأثور دارد مثلا لباس جدید، سفر کردن، خوابیدن و غیره.



برای مسلمان جواز دارد که غیر مسلمانان را نیز تعزیت کند

یکی از دوستان سوال نموده که :

استاد محترم حکم تعزیت گفتن به غیر مسلمان چی است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

برای مسلمان جائز است که در تدفین جنازه شان هم سهیم شود.

برای شان در تعزیت گفته شود: "أخلف الله عليك ولا نقص عددك" یعنی خداوند در بدل رفتگی ها شما را دیگر بدهد و تعداد تان کم نشود، البته این دعاء به این خاطر است که از تعداد شان کم شود جزیه را به مسلمانان میدهند نیز کم می شود.

تعزیت وهمدردی بمعنای این نیست که آنها بر حق هستند و یا اینکه باید برای شان دعاء مغفرت شود، باید به هیچ صورت دعاء استغفار نشود.

بلکه برای مرده های شان شهید خطاب نشود.



خود کشی و انتحار

یکی از دوستان سوال نموده :

سلام علیکم، برادر عزیز اگر کسی خود کشی کند چی حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

رسول الله صلى الله عليه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است: " مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ فِي الدُّنْيَا عَذَبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ"^{۱۲}، شخص که خود کشی کرده در دنیا با همان آله ووسيله که خود کشی کرده در آخرت هم عذاب می شود، ونیز در حدیث صحیح دیگری آمده که کسی خود را از کوه انداخته باشد، ویا زهر نوشیده باشد ویا با چاقو و تیغ خود کشی کرده باشد توسط همین وسائل و آلات در روز قیامت عذاب می شود وجایگاهش برای ابد دوزخ میباشد.

ورسول الله صلى الله عليه وسلم جنازه کسی را که خود کشی کرده بود نخواند تا اینکه مردم را از این گناه کبیره و بررگ زجر و تحذیر نماید، لیکن برای صحابه اجازه جنازه خواندن را داد، وبر علماء سنت است که از نماز جنازه خواندن انسان که خود کشی کرده ابا ورزند.



آیا برای مسلمان مقیم اروپا جایز است که از بیمه تدفین جنازه استفاده نماید؟

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم هالند سوال نموده:

^{۱۲} - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في قاتل النفس، رقم الحديث: (۱۳۶۳)، (ج ۲، ص ۹۶).

سوال: ما در اروپا زندگی میکنیم و اگر شخص وفات نماید مصارف دفن و کفن و قیر دایمی حدود ده هزار ایرو میشود و تقریباً هیچکسی توانایی پرداخت آنرا ندارد.

آیا شرعاً جواز دارد تا شخص بیمه دفن و کفن را قرار داد نماید که بعد از فوت شخص همین مبلغ را طور نقدی به بازماندگان شان میپردازد تا در دفن و کفن و خرید قبر مصرف نمایند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

اصلاً اگر این نوع بیمه اجباری نباشد و به گمان غالب که مسلمان مصارف تدفین و تکفین و خریدن جای مقبره و یا نقل جنازه را به کشور آبائی خود میداشته برایش جایز و مشروع نیست که از این بیمه استفاده کند زیرا در اصل حرام و ناروا است، اما اگر به گمان اغلب توانایی پرداخت مصارف دفن و تکفین و نقل جنازه و خریدن قبر را نداشته باشند برایشان روا و جایز است که از طریق قسط ماهوار با یکی از شرکتهای بیمه تجارتي قرارداد نمایند و ورثه میت و مرده توسط همین شرکت مصارف تکفین و تدفین و نقل و خریدن مقبره را بپردازند، از این لحاظ استفاه نمودن از بیمه تجارتي را بخاطر دفن و تکفین میت جایز گفتیم که آنها در تنگنا قرار میداشته باشند، الله متعال در قرآن کریم فرموده است: "وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ" ۱۳.

او تعالی در قرآن کریم احکام حرام را بیان نموده که مسلمان از آن دوری نماید مگر اینکه در تنگنا قرار گیرد.. و دفن نمودن مرده مسلمان از ضرورتهاست که حرام را نیز حلال میگرداند به اندازه ضرورت.. قاعده شرعی است که: (الضرورت تبيح المحظورات).



رفتن خانمها برای تعزیت دادن خانواده میت

یکی از دوستان محترم از شهر ایبک ولایت سمنگان سوال نموده:

السلام ورحمت الله وبرکاته، استاد محترم رفتن زنها به خاطر عزاداری وفاتحه خانی جواز دارد یاخیر، یک تعداد برای جنازه نامحرمان همسایه می روند، به آنها پول وکالا از دوره داده می آورند و می دهند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شریعت برای خانمها اجازه داده که برای برای تعزیت و تسلیت اهل میت ودعاء برای مرده در مجلس تعزیت ویا خانه اهل میت بروند حتی ولو که از اقارب وهمسایه نزدیک شان هم نباشد، تنها با حجاب بودن شرط است ونیز گریان ونالان وبی صبری زیاد نکنند وبر علاوه دعای مغفرت به مرده اهل میت را تسلیت گفته وتشویق کنند که بی صبری نکنند وبه قضاء وقدر تسلیم شوند.

اما گرفتن پول وکالای دوره و بدست آوردن اسقاط جواز ندارد ونو آوری وبدعت شمرده می شود.



برگزاری مجلس تعزیت وفاتحه خوانی در مساجد که جای عبات و ذکر است جایز نیست

یکی از هموطنان عزیز ما مقیم جرمنی سوال نموده:

استاد محترم سوال من این است که آیا برگزاری مراسم تعزیت وفاتحه خوانی در مساجد جواز دارد یا خیر چون افغانها مقیم جرمنی نیز باهم اختلاف دارند درین مورد ؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

درین شکی نیست که مساجد برای عبادت الله متعال، وادای نمازهای جماعت و ذکر تخصیص داده شده است و هر آن عمل و کاری که به عبادت الله متعال ارتباط مستقیم نداشته باشد برگزاری آن در مساجد جواز ندارد و مساجد تنها بخاطر نماز و عبادت ساخته شده نه برای برگزاری مجلس تعزیت.

حتی رسول الله صلی الله علیه وسلم از اعلان های مفقودی و تجارت و خرید و فروش در مسجد نهی کرده و منع نموده است، همچنان بر گزاری چنین محافل در مساجد جواز ندارد باید مجلس تعزیت در جاهای دیگری بغیر از مساجد برگزار شود، در سنت صحیح و آثار صحابه و وقائع تاریخی ثابت نیست که در مساجد مسلمانان مجالس تعزیت را برگزار کرده باشند و به شکل مروج قرآن خوانی شده باشد.

شریعت از نیاحه و بی صبری و یخن پاره کردن نیز منع کرده، تنها تعزیت دادن و دعاء کردن به مغفرت میت مسلمان و طلب صبر و شکیبایی به اهل و خانواده میت جواز دارد.

در مجموع تعزیت دادن برای مسلمان سنت است و مسلمان اجر و ثواب شامل حالش می شود که اگر مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عملکرد صحابه کرام عمل کند در این مورد، و مهمترین مسائل که مسائل باید بداند قرار ذیل است:

۱- تعزیت دادن از وقت وفات و دفن جنازه شروع می شود و برای سه روز ادامه می یابد و بهتر است که مسلمان در این سه روز به اهل میت تعزیت بدهد، و برای اهل و خانواده مرده گفته می شود که (عظم أجرکم و غفر لمیتکم) خداوند شما را اجر بزرگ نصیب کند و میت و مرده شما را مغفرت نماید و بهشت برین را نصیبش گرداند، و ایشان را به صبر و شکیبایی و صبر و استقامت دعوت نموده و اینکه مردن حق است و مسلمان باید به قضا و قدر تسلیم شود، و برای کسانی که در ساحه و وطن هستند تا به سه روز می توانند که تعزیت دهند و منصرف شوند، و کوشش کنند که در خانه اهل میت نان خوری نمایند و آنها را به زحمت و تکلیف نسازند، و بعد از سه روز تعزیت نکنند که غم اهل میت تازه نشود.

۲- اقارب و همسایه ها و دوستان برای اهل خانه میت نان پخته و آماده شده ببرند.

۳- اهل میت و مرده را در ضمن تسلیت دادن از گریه و نالان و بی صبری خصوصا لباس و یخن پاره کردن منع کنند، و این عمل مطابق شریعت نیست بلکه از عادات جاهلیت است، و مسلمان مأمور است که در خوشی و غم در دائره و چوکات شریعت بماند.

۴- اگر کسی مسافر باشد می تواند بعد از بازگشت از سفر خانواده میت را تعزیت دهد البته در مدت کوتاهی فقط.

لیکن متأسفانه در فاتحه خوانی های مروج کشور ما بعض عادات و تقالید و عمل کرد های آن اساس و دلیل شرعی ندارد مثلا:

۱- برگزاری مجلس تعزیت و فاتحه خوانی در مساجد که جای عبات و ذکر است جایز نیست و مردم این کار را میکنند.

۲- در مجلس فاتحه خوانی قرآن کریم خواندن توسط قراء هیچ دلیل و ثبوت شرعی ندارد و اصلا ثواب و اجر خواندن قرآن کریم دیگران به مرده نمی رسد نظر به قول راجح علماء.

۳- برگزاری محفل جمعگی و چهل و محفل سالی و خیرات های مروج در این روزها هیچ دلیل شرعی ندارد.

۴- پوشیدن لباس سیاه و یا ترک کردن کار و زندگی و وظیفه و الغاء نمودن بر نامه و پروگرامهای حیاتی مثل عروسی ها و شیرینی خوری ها خواستگاری و غیره، به دلیل اینکه فلان مردم مرده دار هستند، این همه در شریعت جواز ندارد تنها سه روز این کارها معطل شده می تواند و بعد از آن باید همه امور طبیعی و عادی باشد.

از صحابی جلیل جریر بن عبد الله البجلی رضی الله ثابت شده که ایشان فرمودند:

"کنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعة الطعام بعد دفنه من النياحة"^{۱۴}، حتی برگزاری این نوع محافل و خیراتها و طعام خوری ها را در منزل و خانه اهل مرده را ما از نیاحه یعنی بی صبری و عادات جاهلیت می شمردیم و مردم را منع می کردیم که در اعمال و رفتار و شیوه‌های جاهلیت نرسند.

۵- اسقاط و دوره هنگام دفن جنازه کاملاً نامشروع و بدعت است.

۶- پختن شام حلوا و توزیع آن از طرف خانواده مرده نیز بدعت است.



اسقاط دادن بدعت است

یکی از دوستان از شهر کابل نوشته که :

استاد السلام علیکم، بعضی کسان می گویند که اسقاط ما میتیم که اگر کدام گناه و یا خطای از مرده سر زده باشد به سبب اسقاط بخشیده شود.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید در حالت حیات و زندگی و در حالت وفات و تدفین و جنازه باید مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل کند و عبادت و کاری دینی و شرعی را جستجو کند که مطابق سنت و رهنمودهای شریعت باشد و از رسم و رواج مخالف شریعت باید خود داری کند و مرده خود را به طریقه غیر شرعی تدفین نکند و سبب آزار و اذیت او نشود.

^{۱۴} - أخرجه أحمد في مسنده، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، رقم الحديث: (٦٩٠٥)، (ج ١١، ص ٥٠٥).

نه رسول الله صلى الله عليه وسلم اسقاط داده بود وني هم صحابه كرام و تابعين و علماء و فقهاء.

واسقاط و دوره يك رواج ناردست است كه از شبه قاره هند به افغانستان منتقل شده و مسلمان اگر مي خواهد كه به ميت و مرده اش ثواب برساند بايد راه هاي شرعي و مطابق سنت را جستجو كند و نمي توان گناهان مرده را توسط يك عمل كه مطابق سنت نيست و بدعت شمرده مي شود عفو و معاف كرد و اگر مرده وصيت كرده باشد براي اسقاط دادن او هم از دنيا گنهگار ميروند، و ثواب اعمال كه به مسلمان ميرسد در اين حديث صحيح رسول الله صلى الله عليه وسلم ذكر كرده: "إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له"^{۱۰}.

انسان وقتي كه وفات مي كند ثواب همه اعمالش قطع مي شود مگر سه چيز، صدقه جاريه كه همانا وقف و اوقاف است، و علم نافع كه علم خودش نشر شود و يا اينكه كتابها و وسائل نشر علم شرعي را بجا مانده باشد، و فرزند صالح و نيكو كه براي دعاء كند.

مسلمان مي تواند براي فايده رسانيدن براي پدر و مادر و اقارب و دوستان كه از اين دنيا رفته اند اين اعمال خيري كنيد را انجام دهد:

۱- دعاء مغفرت و بخشش گناهانش را كند، دعاء بهترين وسيله و سلاح مسلمان است در همه احوال.

۲- وقف نمودن در كارهاي خيري و عام المنفعت، در صورت داشتن امكانات مالي مثلاً ساختن مدرسه، مسجد، پل، نشر و طبع و چاپ كتابهاي ديني و اسلامي، درخت

^{۱۰} - أخرجه الشافعي في سننه، كتاب النكاح، الباب الثالث في الترغيب في التزوج وما جاء في الخطب وما يجرم نكاحه وغير ذلك، رقم الحديث: (۳۱)، (ج ۲، ص ۱۳).

شاندن ووقف کردن میوه آن، زمین زراعتی را وقف کردن، جوی آب وچاه کندن، ساختن راهای رفت وآمد.

۳- حج و عمره.

۴ - صدقه دادن برای فقیران و مسکینان.



حیله اسقاط

یکی از دوستان دعوتگر ما از کابل چنین سوال نموده:

استاد محترم تعریف شما از اسقاط که قبل از دفن جنازه میکنند چیست؟ آیا جواز دارد شرعا؟ .. اگر دارد یا ندارد همراهی دیگر علماء افغانستان یکجا اعلان کنید چون مشکل بزرگ جور شده . تشکر استاد محترم میشود که در صفحه تان نشر کنید

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اسقاط دادن (حیله اسقاط) ودوره قبل از دفن جنازه به شکلی که مروج است یک امر نامشروع و منکر است، با این حیله نمی توانند که سبب سقوط و معافی ترک واجبات دینی شوند، همه میدانند که ترک نماز مرده کفاره ندارد، این کار در شریعت اساس و دلیل شرعی ندارد، بدعت، نوآوری مخالف سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است، و نفع رسانیدن بخاطر مغفرت میت و مرده مسلمان شیوه خاص دارد اسقاط ودوره در آن شامل نیست.

اگر مشروع میبود دلیل و اساس شرعی از قرآن کریم، از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم، از قول و عملکرد صحابه رضی الله عنهم، و رهنمودهای فقهای معتمد مذاهب

فقهی اهل سنت و جماعت میداشت بیان میشد.. عبادات و کارهای خیر و مشروع از مسلمانان پوشیده نمانده همه بیان شده.

فقه‌های معتمد و اهل اجتهاد معاصر اسقاط و دوره را منکر و استهزاء، بازی کردن با احکام دینی و نامشروع دانسته اند و مردم را تشویق نموده اند که مطابق حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم در مقابل آن دست بکار شوند بخاطر از بین بردن منکرات: " من رأى منكم منكراً فليغيره بيده، فإن لم يستطع فليسهان فإِن لم يستطع فليقلبه"^{۱۶} هر کسی از شما که منکر و امر مخالف شریعت و سنت را ببیند آنرا بدست خود محو نماید و اگر نتواند بزبان خود منع کند، و اگر این کار هم در توانش نباشد در قلبش آنرا مکروه بداند.



^{۱۶} - صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب بیان کون النهی عن المنکر من الإیمان، وأن الإیمان یزید وینقص، وأن الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر واجب، رقم الحدیث: (۴۹)، (ج ۱، ص ۶۹).

شیوه مشروع ثواب رسانی به مرده و میت قرار ذیل است

مسلمان می تواند برای برادر میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید.. بهترین وسیله و سلاح دعاء است .

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینا صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند .. این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان ... ثوابش برای شان میرسد.

و می تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند... مثلاً بعد از نمازی های فرض، و در بین آذان و إقامة، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.



غصب زمین میت در قالب اسقاط

یکی از دوستان دعوتگر از شهر ایبک ولایت سمنگان گزارش میدهد که یکی از ملا صاحبان هنگام دفن جنازه زمین شخص وفات شده را در دوره واسقاط تحت تصرف خود در آورده ، حالانکه این زمین حق مشترک ورثه و برادران این میت است.. به همه معلوم است که اسقاط و دوره نامشروع و بدعت است و هیچ دلیل و اساس شرعی بر مشروعیت و جواز آن از قرآن کریم و سنت و حدیث صحیح و عملکرد صحابه رضی الله عنهم و نیز رهنمودهای مذاهب فقهی از جمله مذهب حنفی وجود ندارد.. و این اولین بار است که ملا صاحب به طریقه نامشروع و ناجائز بالای زمین مردم دست غصب کردن را دراز میکند و این بدعت و عمل نامشروع را دلیل آورده زمین را که حق ورثه و برادران میت است در قبضه خود میآورد که دعوا فعلا در محکمه جریان دارد.. الله متعال در قرآن کریم می فرماید : " ولا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل"^{۱۷} مال های تان را در بین تان به باطل نخورید.. دوره واسقاط مشروع نیست و در شریعت ثابت نیست، قبضه کردن زمین مردم به چنین شیوه گناه بزرگ به شمار می رود که باید این نوع اشخاص تعزیر شوند.



جنجال ملاهای کوتل خیرخانه در مورد اسقاط

هر دو مجموعه در سر جنازه تنش لفظی نموده اند، بخش از آنها اسقاط و دوره را مشروع می خوانند بلکه غنیمت و فرصت خوب برای بدست آوردن پیسه می شمارند، و مجموعه دیگری آنرا حرام و ناروا و خوردن مال مردم به باطل میدانند، و یکی از دوستان ساکن آنجا که در این جنازه حضور داشته و جنجال را از نزدیک مشاهده نموده خواهش دارد که در این مورد روشنی شرعی بیندازم.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اولا: باید بدانیم که بر مسلمان واجب است که مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم جنازه را دفن کند و از بدعت و نوآوری در دین خود داری کند.

ثانیا: هر نوآوری در دین که در سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم و سلم ثابت نباشد مردود است و قابل قبول و عمل نیست و صاحبش کنهکار می شود، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است " من أحدث في أمرنا هذا ما ليس منه فهو رد" ^{۱۸} هر کسی که در دین و سنت و روش و مسلک من نوآوری کند و قناعت نداشته باشد که دین من تکمیل شده کار او مردود است.

ثالثا: مسلمان باید در حالت حیات و زندگی و در حالت وفات و تدفین و جنازه باید مطابق سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم عمل کند و عبادت و کاری دینی و شرعی را جستجو کند که مطابق سنت و رهنمودهای شریعت باشد و از رسم و رواج مخالف شریعت باید خود داری کند و مرده خود را به طریقه غیر شرعی تدفین نکند و سبب آزار و اذیت او نشود.

رابعا: نه رسول الله صلی الله علیه وسلم اسقاط داده بود و نه هم صحابه کرام و تابعین و علماء و فقهاء اسقاط و دوره کاملا ناروا و بدعت است.

اسقاط و دوره یک رواج ناردست است که از شبه قاره هند به افغانستان منتقل شده و مسلمان اگر می خواهد که به میت و مرده اش ثواب برساند باید راه های شرعی و مطابق سنت را جستجو کند و نمی توان گناهان مرده را توسط یک عمل که مطابق سنت نیست و بدعت شمرده می شود عفو و معاف کرد و اگر مرده وصیت کرده باشد برای اسقاط دادن او هم از دنیا گنهگار می رود، و ثواب اعمال که به مسلمان می رسد در این حدیث صحیح

^{۱۸} - أخرجه البخاري في صحيحه، كتاب الصلح، باب إذا اصطلحوا على صلح جور فالصلح مردود، رقم الحديث: (۲۶۹۷)، (ج ۳، ص ۱۸۴).

رسول الله صلى الله عليه وسلم ذكر کرده : " إذا مات ابن آدم انقطع عمله إلا من ثلاث: صدقة جارية، أو علم ينتفع به، أو ولد صالح يدعو له"^{۱۹}.

انسان وقتی که وفات می کند ثواب همه اعمالش قطع می شود مگر سه چیز، صدقه جاریه که همانا وقف و اوقاف است، و علم نافع که علم خودش نشر شود و یا اینکه کتابها و وسائل نشر علم شرعی را بجا مانده باشد، و فرزند صالح و نیکو که برایش دعاء کند.

مسلمان می تواند برای فایده رسانیدن برای پدر و مادر و اقارب و دوستان که ازین دنیا رفته اند این اعمال خیری کنید را انجام دهد:

۱- دعاء مغفرت و بخشش گناهانش را کند ..دعاء بهترین وسیله و سلاح مسلمان است در همه احوال.

۲- وقف نمودن در کارهای خیری و عام المنفعت، در صورت داشتن امکانات مالی مثلاً ساختن مدرسه، مسجد، پل، نشر و طبع و چاپ کتابهای دینی و اسلامی ..درخت شانیدن و وقف کردن میوه آن، زمین زراعتی را وقف کردن، جوی آب و چاه کندن، ساختن راهای رفت و آمد.

۳- حج و عمره.

۴ - صدقه دادن برای فقیران و مسکینان.

اسقاط و دوره و ختم مروجه قاری صاحبان و مولوی صاحبان هیچ دلیل شرعی ندارد تنها یک رواج، فهم و برداشت نادرست و دخیل است که علماء نه تنها بر عدم مشروعیت آن تأکید دارند بلکه این نوع عملکردها را بدعت و نوآوری در دین شمره اند زیرا آنها به

^{۱۹} - أخرجه الشافعي في مسنده، كتاب النكاح، الباب الثالث في الترغيب في التزوج وما جاء في الخطب وما يجرم نكاحه وغير ذلك، رقم الحديث: (۳۱)، (ج ۲، ص ۱۳).

این عملکردهای مخالف شریعت شان اهل میت را از کارهای مطابق سنت که باید برای مغفرت و ثواب رسانی میت خود بکنند منصرف میسازند.



آیا ثواب نماز نفلی و تلاوت قرآن به مرده میرسد؟

یکی از دوستان محترم سوال نموده؛

آیا کدام سند در باره این است که ثواب تلاوت و نماز به دیگه کس نه میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وبعد:

در نصوص شرعی ثابت نیست که واپ نماز و تلاوت کسی به کسی دیگر می رسد اما مسلمان می تواند برای اقارب و دوستان و برادران میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید، بهترین وسیله و سلاح دعاء است، همیشه دعاء کند.

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینان صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند .. این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان، ثوابش برای شان میرسد.

۴- وقف کردن منفعت و کارهای خیر مثلا ساختن مسجد، مدرسه، راه و جاده . پول بالای دریا، چاه آب، باغ، خریدن کتابهای دینی و شرعی برای مدارس، فرش مساجد،

تربیه، یتیمان، کمک کردن در ازدواج فقیران، کمک کردن به بیوه زنان، صدها راه های خیر دیگر وجود دارد.

این سه مورد در نصوص شرعی ذکر شده.

اما ثواب نماز و تلاوت کسی به مردگان نمی رسد و هیچ نص و دلیل شرعی دال بر رسیدن ثواب نماز و یا تلاوت قرآن کریم به مردگان وجود ندارد.

ومی تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند، مثلاً بعد از نمازی های فرض، و در بین آذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.



آداب زیارت مقبره برای خانمها

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی از از کابل چنین سوال نموده:

آیا برای خانمها جائز است که سر قبرستانی بروند و برای مرده ها دعاء کنند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

رفتن به قبرستانی در بعض اوقات مستحب است و سبب تذکیر مسلمان به مرگ و آخرت می شود و او را وادار میسازد که اعمال نیک انجام دهد زیرا مرگ و حساب و کتاب روز آخرت بیادش میاید، رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است:

"زوروا القبور فإنها تذكرو الموت"^{۲۰}، به زیارت قبرها بروید که آخرت و مرگ را به شما یاد دهانی میکند.

لیکن این مستحب بودن خاص برای مردان است.

اما مسأله رفتن خانمان و زنان در مقبره یک مسأله اختلافی است لیکن راجح این است که برای خواهران و خانمان جواز ندارد و مکروه است که به زیارت و سلام دادن قبرستانی بروند زیرا آنها عاطفی هستند و ممکن است که از آنها بی صبری، گریان و نالان و اعمال مخالف رهنمودهای شریعت سرزد شود، رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح زنانی را لعنت کرده که به زیارت قبر میروند و زیاد رفت آمد به قبرستانی دارند:

"لعن رسول الله صلی الله علیه و سلم زوّارات القبور"^{۲۱}.

این حدیث را چندین تن از صحابه کرام روایت کرده است از جمله: أبوهیره، و ابن عباس، و حسان بن ثابت رضی الله عنهم.

لیکن اگر در مسیر راه از مقبره گذر داشته باشند برای شان جائز است که سلام مسنون را بدهند و برای مرده های مسلمان دعای مغفرت و طلب جنت کنند و برای خود شان نیز دعاء نمایند وقتی که میمیرند الله مغفرت شان کند، لیکن باید دستهای شان را در این دعاء بالا نکنند و مکث هم نکنند و زود عبور کنند.

دعای مسنون زیارت قبرستان این است: (السلام علیکم أهل دار قوم المؤمنین وانا إن شاء الله بکم لاحقون، ویرحم الله المستقدمین منا ومنتکم والمستأخرین).

^{۲۰} - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الجنائز، باب استئذان النبي صلی الله علیه و سلم ربه عز وجل في زيارة قبر أمه، رقم الحديث: (۹۷۶)، (ج ۲، ص ۶۷۱).

^{۲۱} - أخرجه ابن ماجه في سننه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في النهي عن زيارة النساء القبور، رقم الحديث: (۱۵۷۴)، (ج ۱، ص ۵۰۲).



آداب واحکام زیارت مقبره مخصوص مردها وخانمها

یکی از خواهران از شهر کابل خواهش نموده که شیوه وطریقه درست زیارت مقبره ودعای مسنون آنرا بیان نمایم تا اینکه برادران وخواهران در اشتباه واقع نشوند.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

زیارت مقبره سه نوع است:

۱- مشروع، مسنون و مستحب.

۲- زیارت مقبره به شیوه مبتدعانه.

۳- زیارت مقبره به شیوه مشرکانه.

اول: زیارت مسنون و مستحب :

زیارت مقبره به نیت ثواب رسانی ودعای مغفرت وسلام دادن به مرده های مسلمان مشروع ومسنون ومستحب است که ضمنا انسان آخرت را نیز نیز بیاد خود میاورد وسبب میشود که نفس خود را برای حساب ومحاسبه آماده بسازد رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فرموده است: "زِرِ الْقُبُورَ تَذَكُّرٌ بِهَا الْآخِرَةِ"^{۲۲}.

مقبره را زیارت کنید که آخرت را به یاد بیاورید.

نیز فرموده است: "زُورُوا الْقُبُورَ، فَإِنَّهَا تَذَكِّرُكُمْ الْآخِرَةَ"^{۲۳}.

^{۲۲} - أخرجه البيهقي في شعب الإيمان، فصل في زيارة القبور، رقم الحديث: (۸۸۵۱)، (ج ۱۱، ص ۴۷۰).

^{۲۳} - أخرجه ابن ماجه في سننه، أبواب الجنائز، باب ما جاء في زيارة القبور، رقم الحديث: (۱۵۶۹)، (ج ۲، ص ۵۱۰).

مقبره را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد.

زیارت مقبره به نیت ثواب رسانی و سلام به میت و مرده و یاد دهانی آخرت به اتفاق علماء برای مردان سنت است.

واین دعای مسنون خوانده میشود: (السلام علیکم یا أهل القبور من المسلمین و المؤمنین أئتم لنا سلف و نحن لکم تبع ونا إن شاء الله بکم لاحقون).

و به این الفاظ هم درست است: (السلام علیکم أهل دار قوم المؤمنین ونا إن شاء الله بکم لاحقون، ویرحم الله المستقدمین منا و منکم و المستأخرین).

سلام کردن که بمعنای دعای سلامتی و عافیت خواستن میباشد شما از ما سبقت جسته اید و ما هم بطرف شما آمدنی هستیم الله متعال شامل رحمت خود نماید کسانی که وسبقت جسته اند یعنی وفات نموده اند و آنانیکه بعدا می میرند از مؤمنان و مسلمانان، نیز می تواند بگوید، الله رب العزت شما را مغفرت نماید و بهشت برین را نصیب گرداند و از نعمتهای بهشت بهره مند شوید.

دوم: زیارت مقبره به شیوه مبتدعانه:

به نیت عبادت الله متعال برود در مقبره و مرده ها را وسیله قرار دهد، یا بر قبرها به نیت تبرک گرفتن برود و یا شمع و چراغ روشن کند، و بیرق بزند، یا قبر را دست بزند و مسح کند و یا بوسه نماید قبر را و یا در نزد قبر بخوابد و بی صبری و گریه و نالان نماید، این نوع زیارت قبرها و مقبره مبتدعانه است که وسیله شرک آوردن به الله متعال میشود و منافی توحید و وحدانیت الله متعال است. و در شریعت و سائل حکم مقاصد را دارد لهذا این نوع زیارت مقبره ناجایز و ناروا و حرام است چون وسیله شرک آوردن به او تعالی است.

سوم: زیارت مقبره به شیوه مشرکانه:

کسی برای عبادت و پرستش قبر و زیارتگاهها می‌رود و به قبر طواف نمایند، حیوان را ذبح کند و نذر نماید بنام مرده و از حاجت بطلبد، و شفایابی مریضی خود را بخواهد، و به طرف قبر سجده کند و روی خود را بخاک قبر بمالد به نیت اینکه خاک قبر زیارتگاه دواى مریضی است، و یا تارها بند بگیرد از قبر و زیارتگاه، یعنی یاری، کمک و مدد بخواهد و اعتقاد داشته باشد که صاحب قبر نقص و فایده برایش می‌رساند این همه منای توحید و وحدانیت الله متعال است که انسان را بشرک میکشاند در صورتیکه معتقد باشد و دانسته این اعمال خرافاتی را انجام دهد.

مسأله رفتن خانمها سر مقبره:

اما رفتن خانمها سر مقبره مکروه است، لیکن اگر در مسیر راه از مقبره گذر داشته باشند جائز است که سلام مسنون را بدهند.

زیرا رفتن خانمان و زنان در مقبره یک مسأله اختلافی است لیکن راجح این است که برای خواهران و خانمان جواز ندارد و مکروه است که به زیارت و سلام دادن قبرستانی بروند زیرا آنها عاطفی هستند و ممکن است که از آنها بی صبری، گریان و نالان و اعمال مخالف رهنمودهای شریعت سرزد شود... رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث صحیح زنانی را لعنت کرده که به زیارت قبر می‌روند و زیاد رفت آمد به قبرستانی دارند: " لعن رسول الله صلی الله علیه و سلم زَوَّارَاتِ الْقُبُورِ"^{۲۴}.

این حدیث را چندین تن از صحابه کرام روایت کرده است از جمله: أبوهیرره، و ابن عباس، و حسان بن ثابت رضی الله عنهم.

لیکن اگر در مسیر راه از مقبره گذر داشته باشند برای شان جائز است که سلام مسنون را بدهند و برای مرده های مسلمان دعای مغفرت و طلب جنت و بهشت برین

^{۲۴} - أخرجه ابن ماجه في سننه، كتاب الجنائز، باب ما جاء في النهي عن زيارة النساء القبور، رقم الحديث: (۱۵۷۴)، (ج ۱،

نمایند و برای خود شان نیز دعاء کنند وقتی که میمیرند الله مغفرت شان کند، لیکن باید دستهای شان را در این دعاء بالا نکنند و مکث هم نکنند و زود عبور نمایند.



حکم کسی که در حالت عاشقی بمیرد

یکی از دوستان در مورد صحت و یا باطل بودن این حدیث سوال نموده :

کسی که عاشق باشد و اظهار نکند و بعفت بمیرد شهید است، موضوع و دروغین است صحت ندارد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این حدیث صحت ندارد و موضوع است: "من عشق وعف وکتم ومات فهو شهید" کسی که عاشق باشد اظهار نکند و بعفت بمیرد شهید است.

این حدیث موضوع وضعیف است و به آن عمل نمی شود.

لیکن رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح که امام بخاری روایت کرده فرموده است:

"من یضمن لی ما بین لحيه وما بین رجلیه أضمن له الجنة"

کسی که ضمانت جوارح بین پیشانی و زرخ خود کند یعنی با چشمان، دهن و گوش در گناه واقع نشود، و ضمانت شرمگاه خود را کند که در گناه واقع نمی شود من داخل شدن جنت را برایش تضمین میکنم.



آیا د مړي د وصیت سره سم د جسد سوزول پې روا دي؟

اصلي مسئله داسې ده چې د درنو لوستونکو څخه یو پوښتونکی ورور په خپله پوښتنه کې له مونږ څخه پوښتلي ؤ چې:

زما یو دوست د هندوستان څخه دی، نوموړی مسلمان هم دی او له مودو راهیسې په لندن کې مېشت دی او ورسره آزاد تجارت هم پرمخ وړي. له مړینې وروسته پې خپلې کورنۍ ته داسې وصیت کړیدی چې د هغه جسد (د هندوانو په څېر) باید وسوزول شي. دا پوښتونکی ورور زیاتوي او وایي چې:

زما دا دوست که څه هم د هندي مسلمانې کورنۍ څخه دی او پلار او نیکه پې علماء او مسلمانان تېر شويدي، خو وایي چې: مونږ په قرآن کریم کې هیڅ داسې آیت ونه لوسته چې په هغې کې د مړي د نه سوزولو په اړه څه ویل شوي وي او یا حرام گڼل شوي وي او نه مو تر دې مهاله داسې کوم حدیث لوستلی دی چې په هغه کې د مړي جسد د سوزولو څخه منع راغلي وي او ددې ترڅنګ بیا دا هم وایي چې: د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) په زمانه کې به هم هندوانو خپل مړي سوزول او نبی (علیه السلام) په دې اړه مسلمانان ندی منع کړي؛ نو هیله ده چې تاسې په دې اړه مونږ ته دقیق او باوري معلومات راکړئ او داسلامي شریعت په رڼا کې د مړي جسد د سوزولو مسئله را ته په بڼه توګه سره څرګنده او واضح کړئ؟

جواب: تر هر څه دمخه د پورتنۍ پوښتنې په ځواب کې باید ووايو چې: پدې اړه لومړی خو هغه شک باید پدې مقاله کې له منځه یوسو کوم چې له دې پوښتونکي ورور سره راپیدا شويدي او دا خبره به هم د یو لړ کره دلائلو په رڼا کې بڼه څرګنده کړو چې: آیا په رښتیا سره په قرآن کریم او نبوي مبارکو احادیثو کې د یادې مسئلې د تحریم او یا هم ناروا والي په اړه څه ویل شويدي او که ندی ویل شوي؟

دویمه مهمه مسئله چې هغه هم غواړو د خپلو درنو لوستونکو پر وړاندې پې څرگنده کړو، هغه په اسلام کې د مړی د مختلفو حکمونو پوری تړلی موضوع ده او پدې مقاله کې به د مړي پر مختلفو حالاتو رڼا واچوو. له درنو لوستونکو څخه مو یواځینې هیله داده چې دا حساسه موضوع را سره په پوره صبر او حوصله مندی سره تر پایه پوری ولولي، که څه هم ددې پوښتنې ځواب به اوږد وي، خو هیله من یو چې ستړی کوونکی به نه وي. (ان شاء الله)!

دا مقاله به په سر کې له دې خبرې څخه را پیل کړو چې: د اسلام په مبارک دین کې قرآنکریم لومړنی مصدر او سرچینه ده. که چیرې مونږ د قرآني آیتونو په اړه لږ فکر وکړو؛ نو څرگنده به شي چې پدې قرآنکریم کې ځیني احکام کلي ذکر شويدي (یعنې د یوې مسئلې عام حکم پکې بیان شويدي) او ځیني احکام په مفصل ډول او په پوره وضاحت سره ذکر شويدي او خلکو ته یې د ژوند کولو لاری چارې بنودلی دي.

بیا که تاسې لږ نور فکر هم کړی وي؛ نو تاسې به دا حقیقت هم په ډاگه شوي وي چې د قرآنکریم هغه احکام چې په لنډه سره ذکر شويدي، هغه هیڅکله هم غامض (گونگ) ندي پرېښودل شوي، بلکه الله تعالی (جلت عظمته) د خپل قدر من پیغمبر (علیه السلام) په ژبه او د نبوي حدیثونو په رڼا کې مونږ ته څرگند کړیدی. پدې توگه سره ویلی شو هغه احکام چې په قرآنکریم کې په مُشرَح او بشپړ تفصیل سره ذکر شويدي؛ نو دداسې احکامو خو بیا نور وضاحت ورکولو او بیان ته هیڅ اړتیا نه لیدل کیږي.

دویمه مهمه خبره داده چې د قرآنکریم په اړه د یومسلمان تصور او عقیده باید داسې وي چې دا کتاب یو متکامل او بشپړ کتاب دی او د ژوند هیڅ داسې مسئله به نه وي پاتې، مگر دا چې قرآن ورڅخه مونږ خبر کړی یو او په اړه یې مونږ ته دقیق او کره معلومات راکړیدی چې دا خبره پخپله

قرآنکریم مونږ ته راښودلی ده، لکه چې لوی څښتن تعالی فرمایي: "مَا
فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ..."^{۲۵}.

ترجمه: مونږ په کتاب (لوح محفوظ) کې هېڅ شی ندي پرې ایښي. (بلکه
ټول مو لیکلي دي).

درېیمه مهمه خبره داده چې: ځینې هغه مسلمانان چې د اسلام او قرآن په
اړه دقیقه مطالعه او سلیم فهم نلري؛ نو فکر کوي چې څه یې زړه غواړي
هغه باید تر سره کړي، لکه پورته تاسې ولوستل چې دې سوال کوونکي
ورور د یوې مسلمانې هندي کورنۍ په اړه چې په غرب کې مېشته ده
مونږ ته لنډ معلومات راکړل.

اصلي خبره داده چې: هېڅکله هم د مسلمان عقیده د قرآن کریم او اسلام
په اړه داسې نه وي چې پخپلو محدودو معلوماتو او ناسم تصور له ځان
سره دا پرېکړه او فیصله وکړي او ووايي چې: څه مې چې زړه غواړي هغه
ترسره کوم او بیا د ځان لپاره دا پلمه او بهانه وگرځوي چې ما خو په
قرآنکریم کې پدې اړه څه پیدا نکړل، حال دا چې د قرآنکریم حکمونه کلي
دي، جزئي ندي او عام دي، چا پوری خاص ندي، یعنې که په ساده ټکو سره
ووايو، هره پېښه چې په هر عصر او دنړۍ په هر ځای کې پېښېږي؛ نو د
ټولو پېښو لپاره په قرآنکریم کې یو چوکاټ او یو قالب وجود لري (چې په
هغې سره به د خلکو کارونه وزن او تلل کيږي او روا والی او ناروا والی
به یې پرې خلکو ته معلومېږي).

د بېلگې په ډول به يو لنډ مثال له تاسې سره شريك كړو: لوی خښتن
تعالی په خپل كتاب كې په ډاگه سره فرمايلي دي چې: "وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي
حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ"^{۲۶}.

ترجمه: او تاسې هغه نفس (انسان) مه وژنئ چې الله تعالی (جلت عظمته)
هغه حرام گرځولی دی مگر په حقه سره (چې يا زنا وكړي، يا مرتد شي او
يا قتل وكړي؛ نو بيا به په دې صورت كې به د قصاص په شكل سره دا
قاتل انسان وژل كيږي).

اوس كه چيری د نبي كريم (صلى الله عليه وسلم) مباركو سنتو ته
راوگرځو؛ نو دلته هم وينو چې د هغه (صلى الله عليه وسلم) په مباركو
ارشاداتو كې د بې گناه انسان قتل ناروا گڼل شويدي او انسان د ځمكې پر
مخ د الله تعالی خورا قدرمن او باعزته مخلوق گڼل شويدي او هغه څېركه او
باتدبيره مخلوق گڼل شويدي چې لوی خښتن تعالی ورته فكري آزادي
ورکړی او د تصميم نيولو توان يې ورپه برخه کړيدی. همداراز په اسلام
كې د قتل د مختلفو شكلونو او ډولونو تصويركشي شوېده او دا حكم په
ټولو هغو وژنو، ولو كه په هر شكل سره ترسره شي تطبيق كېدلی شي
حتی كه دا ډول وژنې په تېر تاريخ كې هم رامنځ ته شوي وي او يا كه په
نوي او اوسني عصر كې د نويو وسائلو په مرسته رامنځ ته كيږي، خو
مخكې له دې چې د دې سوال كوونكي ورور پوښتنې ته راشو، لومړی به
په مناسب لنډيز سره په اسلام كې د انسان په قدر او ارزښت باندی لږه
رڼا واچوو:

په اسلام كې د انسان د درناوي ژوندی بېلگې او مثالونه:

په قرآن کریم کې لوی څښتن تعالی د انساني کرامت او ارزښت د بنودلو لپاره مونږ ته ډېر مثالونه بیان کړيدي، لکه یو څه پې په لاندې ډول دي:

لومړی مثال: د انسان لپاره د گڼ شمېر خوږو او وسائل برابرول:

د انسان لپاره نه یواځې په وچه (ځمکه) کې، بلکه په لمده (بحر) کې هم راز راز خواړه او نور گټور وسائل په پام کې نیول شويدي، د ځمکني، بحري او حتی هوايي سفرونو لپاره لوی څښتن تعالی انسان ته د مختلفو وسائلو د رامنځ ته کولو توان او لاری وربښودلي دي.

په دې اړه تاسې له ماسره دا آیت ولولئ چې لوی پروردگار مونږ ته داسې ارشاد فرمائي: "وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا"^{۲۷}.

ترجمه: او خامخا مونږه د آدم (عليه السلام) اولادې ته ډېر کرامت (شرافت او عزت) ورپه برخه کړيدي او په وچه او لمده (بحر) کې مو دوي سواره کړيدي او (بل عزت دادی چې) دوي ته مو له پاکيزه او سپېڅلو شيانو څخه خواړه ور برابر کړيدي او پر ډېرو (نورو) مخلوقاتو مو دوي ته تفوق (برتري او غوره والی) ورپه برخه کړيدي.

په لنډه توگه سره ویلای شو چې: د ځمکې پر مخ انسان هغه یواځینې مخلوق دی چې نظافت او پاکوالی پیژني، خپل لباس او سپېڅلي خواړه، د هوايي او بحري سفر او د خوب او هوساینې وسائل پیژني. د انسان پر نورو مخلوقاتو باندې د فضیلت بل غوره مثال دادی چې انسان د عقل څخه برخمن گرځول شويدي تر څو ښه پرې له بدو څخه تفکیک (جلا)

کړي، پداسې حال کې چې حيوانات بيا له دې پورته خصوصياتو او
ځانگړتياو څخه بې برخي دي.

دویم مثال: د انسان فضیلت په تقوی کې دی:

قرآنکریم همدا مسئله مونږ ته په ښه توګه سره په ډاګه کړیده او فرمایلي یې دي چې دانسان غوره والی او اوچتوالی په تقوی کې دی، لکه چې پروردگار مو مهرباني کوي او ارشاد فرمایي: "إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ" ۲۸.

ترجمه: په تاسې کې ډېر قدرمن (عزتمن) د الله تعالی (جلت عظمته) پر وړاندې ډېر متقي (د زیاتې حیاء او ادب لرونکی) دی. قرآنکریم یو داسې کتاب ندی چې دهرې مسئلې په اړه د ټولو تفصیلاتو په اړه بشپړ معلومات ورکړي، بلکې یو کلي او عام حکم بیانوي چې په هغې کې ډېر نور حکمونه او ژوندنېرې مسئلې هم شاملېدلې شي، د مثال په ډول: په اسلام کې مونږ لولو چې پر انسان باندې باید رحم او شفقت وشي او هیڅکله هم په ظلم او استبداد باندې باید محکوم نشي، دا پخپله د انساني لوړ کرامت یوه بله نمونه او غوره مثال دی، لکه چې الله تعالی (جل جلاله) داسې مهرباني کوي:

"وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا" ۲۹.

ترجمه: او تاسې خپل ځانونه سره مه وژنئ (یو بل سره مه وژنئ او یا داسې یو کار مه ترسره کوئ چې ستاس د هلاکت سبب وګرځي) خامخالوی خښتن تعالی پر تاسې باندې خورا لورونکې (مهربان) دی.

درېیم مثال: د انساني تکریم (درنښت) او لوړ کرامت بل مثال یو پر بل باندې ظلم او تیري نه کول دي او له ظالمانو او مستکبرینو سره د اسلام نفرت ښودل دي. همداراز دا چې په اسلام کې د انسان د تعذیبولو او زورولو څخه منع راغلی ده، د تورونو او بېځایه تهمتو لګول (غېبت او

۲۸ - سورة الحجرات، الآية: ۱۳.

۲۹ - سورة النساء، الآية: ۲۹.

نور پرېوتې خبرې ورته نه کول) دا ټول د انسان د عزت او درناوي ژوندي مثالونه دي.

اسلام د مړي او ژوندي دواړو احترام لازمي گڼي:

اسلام نه يواځې د ژوندي انسان د درناوي لپاره اصول او ټاکلي شرائط په گوته کړيدي، بلکه د مړ شوي انسان د احترام لپاره ېې هم ځانگړي اصول وضع کړيدي، لکه: د انسان د مړينې وروسته هغه بايد په خاورو کې خښ کړای شي (د مړي د وجود غړي او اعضاء بايد خرڅ نه کړای شي او تجارت پرې ونشي، د مړ انسان لپاره بايد قبر وکيندل شي او مړي ترې بايد راونه ويستل شي، همداراز په داسې چټل ځای کې چې دېران وي مړي بنځ نه کړای شي او د مړي پر جسد باندې نښه ونه ويشتل شي، ځکه انسان الله تعالی د ځمکې پر مخ خورا قدرمن او باعزته مخلوق پيدا کړيدی).

انسان په اصل کې يو خاورين مخلوق دی او له مړينې وروسته به بېرته همدې خاورو ته سپارل کيږي. په دې اړه لوی څښتن تعالی مهرباني کوي او فرمايي: "مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى" ۳۰.

ترجمه: تاسې مو له همدې (ځمکې) څخه پيدا کړي ياست او (پس له مرگه به) تاسې په دې ځمکه کې ننه باسو (بېرته به تاسې همدې خاورې ته ورگرځو) او (له دې ځمکې څخه به) تاسې يو ځل بيا راوباسو (او بيا به مو راژوندي کوو).

د انسان په ځمکه کې د خښولو لرغونې تاريخ:

په تاريخي لحاظ كله چې مونږ د انسان په ځمكه كې د خښولو تاريخ ته ځير شو؛ نو راڅرگنديږي چې د انسان د خښولو تاريخ له كلونه او پيړيو راهيسې همداسې راروان دی او قرآنكريم مونږ ته د ځمكې پر مخ د لومړي قاتل انسان داستان را په زړه كوي او مونږ ته پې دا كيسه بيان كړيده چې: د ځمكې پر سر لومړني قاتل انسان (قابيل) ؤ، هغه د خپل ورور خښول د يو كارغه څخه زده كړل او دا كارغه ؤ چې انسان ته پې وښودل چې څه ډول به يو انسان خاورو ته سپاري. له هماغې ورځې رانيولې تر ننه پورې له مړينې وروسته به هر نيك او بد انسان كه نارينه وي او كه بنځينه وي په خاورو كې خښول كيږي او دا لړۍ به تر قيامته پورې دوام لري.

دا چې په اسلام كې انسان ته په خورا د تكريم او د درناوي په سترگه سره كتل كيږي، ددې خبرې بل مثال دا هم كېدلی شي چې: په اسلام كې د بې گناه انسان وژل، ځورول او سوزول حرام گرځول شويدي، لكه چې لوی څښتن تعالی فرمايي: "وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ"^{۳۱}.

ترجمه: او تاسې هغه نفس (انسان) مه وژنۍ چې الله تعالی (جلت عظمته) هغه حرام گرځولی دی مگر په حقه سره (چې يا زنا وكړي، يا مرتد شي او يا قتل وكړي تر څو په قصاص سره بېرته ووژل شي).

د نبوي حديثونو په رڼا كې د انسان د درناوي څو ژوندۍ بېلگې:

رسول الله (صلى الله عليه وسلم) د انسانيت غوره استاد او لارښود انسان ؤ، د هغه په ويناو كې ډېر داسې مثالونه موندل كيږي چې د انساني لوړ كرامت ښودنه كوي، لكه په دې اړه زمونږ مور (أم المؤمنین)

حضرت عائشه (رضي الله عنها) د يو حديث روايت كوي چې نبي (عليه السلام) ارشاد فرمايي: ((إِنَّ كَسْرَ عَظْمِ الْمَيِّتِ مِثْلُ كَسْرِ عَظْمِهِ حَيًّا))^{۳۲}.

ترجمه: د مړي د هډوكي ماتول داسی دي لکه د ژوندي انسان د هډوكو ماتول. امام شوکاني (رحمه الله) د همدې حديث په اړه يوه په زړه پورې تبصره لري او ليکي چې: دلته په دې حديث کې د مړي د هډوكو د ماتولو گناه د ژوندي انسان د هډوكو د ماتولو له گناه سره تشبيه شويده او لکه څرنګه چې د ژوندي انسان تأليم (درد ورته رسول) حرام دي، همداراز مړي ته د درد رسول هم ناروا دي.

امام باجي (رحمه الله) چې د امام مالک په مذهب دی وايي چې: د انسان د احترام او درناوي په خاطر به مړي ته هم داسې احترام کيږي لکه څرنګه چې يو ژوندي انسان ته کيږي او دهغه د هډوكو ماتول داسې حرام او ناروا کار دی لکه څرنګه چې بې په ژونديني باندې هډوكي ماتول حرام دي. [۶] طيبي (رحمه الله) په دې اړه زياتوي او وايي چې: په دې حديث شريف کې همدې خبرې ته اشاره ده، لکه څرنګه چې د ژوندي انسان اهانت او سپکاوی نه دي کول پکار، په همدې ډول به د مړي سپکاوی هم نه کيږي. ابن الملك بيا په همدې نظر دی چې مړي هم درد وينې لکه چې وايي: ((إِنَّ الْمَيِّتَ يَتَأَلَّمُ))^{۳۳}. ترجمه: واقعيت دادی چې مړی هم درد وينې.

ابن منيع په خپل اسناد سره د حضرت جابر بن عبدالله (رضي الله عنهما) څخه د حديث روايت كوي او وايي چې: يو ځل مونږ د رسول الله (صلى الله عليه وسلم) سره په يوه جنازه کې (د گډون کولو لپاره) ووتلو تر دې پورې چې تر قبره ورسېدو چې لا اوس هم کېنډل كېده؛ نو نبي (عليه السلام) هم د يوه قبر څنډې ته كيناست او مونږ هم ورسره كيناستلو، قبر کېنډونكو (خلکو د قبر کېنډلو پر مهال) يو هډوكی

^{۳۲} - أخرجه الدارقطني في سننه، كتاب الحدود والديات وغيره، رقم الحديث: (۳۴۱۴)، (ج ۴، ص ۲۵۲).

راوويست چې د لاس مټه وه يا هم زنگون ؤ، بيا ټپي غوښتل چې دا هډوکي مات کړي؛ نو نبي (عليه السلام) ورته وفرمايل: (لا تُكسِّرُهَا، فَإِنَّ كَسْرَكَ إِيَّاهُ مَيْتًا كَكَسْرِكَ إِيَّاهُ حَيًّا، وَ لَكِنْ دُسَّهُ فِي جَانِبِ الْقَبْرِ)^{۳۳}.

ترجمه: تاسې ټپي مه ماتوئ، ځکه د دې ماتول داسې دي لکه ته چې د ژوندي انسان (هډوکي) ماتوی، خو (داسې کار وکړئ چې) ددې قبر تر څنگ ټپي (چېرته) څښ کړئ.

گرانو لوستونکو! اوس به راشو د دې سوال کوونکي ورور د پوښتنې هغه ځواب ته چې د مړي د سوزولو په اړه يې له مونږ څخه پوښتلی وه او پدې اړه به د فقهاء کرامو گڼ شمېر نظريات له تاسې سره شريک کړو:

اوس پوښتنه داده چې: که چيری يو مسلمان وصيت هم وکړي نو آيا ددې شخص وصيت سره سم به دده د مړينې څخه وروسته دده جسد سوزول کيږي او کنه؟

فقهاو دمړي جسد د سوزولو دا مسئله نوره هم څېړلې ده او دې پوښتنې ته ټپي ځواب ويلی دی، لکه د امام احمد بن حنبل (رحمه الله) په مذهب کې راغلي دي چې:

د مړي څخه د يوې ټوټې پری کول او يا ټول مړي ته اور اچول او د هغه د بدن اتلافول (له منځه وړل) حرام دي، او دليل هم هغه حديث شريف دی کوم چې أم المؤمنین حضرت عائشې (رضي الله عنها) څخه روايت شويدي چې رسول الله (صلى الله عليه وسلم) وفرمايل: (إِنْ كَسَرَ عَظْمَ الْمَيِّتِ مَيْتًا مِثْلَ كَسْرِ حَيًّا)^{۳۴}.

^{۳۳} - المخلصيات، الجزء التاسع، رقم الحديث: (۱۹۷۱)، (ج ۳، ص ۴۵).

^{۳۴} - أخرجه الدارقطني في سننه، كتاب الحدود والديات وغيره، رقم الحديث: (۳۴۱۴)، (ج ۴، ص ۲۵۲).

ترجمه: د مړي د هډوکي ماتول داسی دي لکه د ژوندي انسان د هډوکو ماتول. په پورتنی حدیث شریف کې د مړي د هډوکي د ماتولو څخه منع راغلی ده، تر څو د مړي احترام په خاطر د مړي جسد پخپل اصلي شکل خوندي وساتل شي، حتی که مړي دا وصیت هم کړي وي چې زما له مړینې وروسته زما جسد وسوځوی، یا پې له منځه یوسی، ولی بیا به هم د میت یا د متوفی (مړي) خبره نه منل کېږي، ځکه چې د هغه خبره د لوی څښتن تعالی له وینا سره ټکر لري او سوځول یواځې د الله تعالی (جلت عظمته) حق دی (چې چاته پې خوښه شي جهنم ته پې بیایي او چې چاته پې خوښه شي جنت ته پې ننباسي او یو بنده هیڅکله هم ددې حق نلري). همداراز د امام احمد بن حنبل د وینا سره سم اوس دلته د مړي د وارثینو مسؤلیت دادی چې: په کلکه توګه سره باید د خپل مړي ساتنه وکړي او چاته به ددې اجازه هم نه ورکوي تر څو د ددې مړي د وجود څخه یو څه برخه پری کړي او داسې نور.

که چیرې د امام ابوحنیفه (رحمه الله) مذهب ته راوګرځو؛ نو وبه مومو چې دامام ابوحنیفه (رحمه الله) په مذهب کې یواځې مسلمان ته نه، بلکه حتی د یهودو مروت ته هم زیان رسول ناروا بلل شويدي او وایي چې: (لَا تُكْسَرُ عِظَامُ الْيَهُودِ إِذَا وَجِدَتْ فِي قُبُورِهِمْ — لَأَنَّ الذَّمَّ لِمَا حُرِّمَ إِيْذَاءَهُ فِي حَيَاتِهِ لِدِمَّتِهِ — يَجِبُ صِيَانَتُهُ عَنِ الْكَسْرِ بَعْدَ مَوْتِهِ).

ترجمه: تاسې د یهودو هډوکي که چیرې مو هغوی په قبرونو کې ومندل مه ماتوئ، ځکه چې ذمی انسان ته د هغه په ژوند زیان او ضرر رسول منع کړای شويدي؛ نو د هغه له مړینې وروسته ورته هم ضرر رسول په کلکه توګه سره منع دي؛ نو له همدې ځایه مونږ ته په ښه ډول سره دا خبره په ډاګه کېږي چې په اسلام کې د مړي سوزول د لاندینيو سببونو له کبله حرام ګرځول شويدي، لکه:

اول: دا چې لوی خښتن تعالی په قرآن کریم کې مونږ ته د پخوانیو ملتونو څخه د آدم (علیه السلام) او د هغه د دوو زامنو یو داستان را په زړه کوي چې یو پې خپل ورور وواژه، (قابیل خپل وژل شوی ورور ونه سوزاوه، بلکه په خاورو کې پې خښ کړ) او دا کیسه پخپله مونږ ته ددې ښکارندویږي او ښودنه کوي چې د انسان د مړینې څخه وروسته باید هغه په ځمکه کې ښخ کړای شي.

په پورتنیو کیسو کې زموږ لپاره د عبرت ډېر درسونه پراته دي او یو له هغوي څخه دادې چې:

د ګردو (ټولو) انسانونو پلار حضرت آدم (علیه السلام) هم له خاورو څخه پیدا کړای شوی ؤ او بېرته همدې ته خاورو ته وروسپارل شو. همداراز په خاورو کې د انسان خښول یو فطري او له تېر لرغوني تاریخ څخه راپاتې یو طبیعي عمل دی او انسانان هم له همدې خاورې څخه پیدا کړل شوي دي او بېرته به همدې خاورو ته د امانت په شکل ورسپارل کيږي.

که چیرې د اسلام مبارک دین ته په ځمکه کې د مړي د خښولو څخه پرته کومه بله عزتمنده لاره معلومه وای او یا پې هغه د خپلو پیروانو لپاره خوښه ګڼلای؛ نو حتماً به پې هماغه قاتل (قابیل) ته ددې امر کړای وای چې تر څو د خپل وژل شوی ورور په حق کې پې ترسره کړي.

دویم: د قرآن کریم څخه وروسته د نبی کریم (صلی الله علیه وسلم) څخه یو لږ روایت شوي حدیثونه هم مونږ ته ددې ښودنه کوي چې د مړي درناوی او احترام کول داسې لازمي دی لکه دیو ژوندي انسان احترام چې څومره لازمي برېښي او لکه څرنګه چې ژوندي انسان ته زیان رسول ناروا دي، په همدې ډول مړي ته هم د زیان رسول ناروا ګڼل شوي دي، ځکه

چې د نبي اکرم (صلى الله عليه وسلم) د احاديثو په رڼا کې ويلي شو چې د ژوندی انسان او د مړی حقوق سره يو شان دي.

درېيم: پخپله نبي (عليه السلام) به د مسلمانانو مړي خاورو ته سپاردل او په اسلامي تاريخ کې دا ډول پېښې دومره زياتې رامنځ ته شويدي چې اصلاً شمېرل کيدلی نشي. همداراز د پېړيو را پدېخوا د علماو اجماع او اتفاقي نظر پدې اړه دادی چې د مړينې څخه وروسته انسان بايد سمدلاسه خاورو ته وروسپارل شي او هيڅکله هم ونه سوځول شي.

خلورم: که چيرته نورو آسماني دينونو ته هم يوه لنډه کتنه وکړو؛ نو جوته به شي چې په هغې کې هم د انسان ته د احترام او درناوي په خاطر يو لړ کارونه خورا بد گڼل کيږي، لکه: د مړي سوزول، د مړو د جسدونو او د قبرونو سپکاوی او توهين او داسې نور... او يهود ((Jews) او نصاری (Christians) هم د خپلو مړو خورا احترام کوي، د بېلگې په توگه: دوي هم د مسلمانانو په څېر خپل مړی په ځمکه کې خښوي، تر دې پورې چې په ځينو هيوادونو کې يو لړ خلک د خپلو مړو لپاره قبرونه د ښار په مهمو ځايونو کې جوړوي ترڅو توريستان (tourists) يا سيلانيان يې د خپل سياحت پر مهال ليدنه او کتنه وکړي او د هغوي له تاريخي کارنامو څخه خبر شي.

پېنځم: انساني سالم عقل او منطق هم ددې غوښتنه کوي (لکه څرنگه چې د کلونو کلونو راهيسې انسان ورسره آشنا دی) چې له مړينې وروسته دې انسان (که نارينه وي يا ښځينه) په خورا درنه او له وقار څخه په ډکې طريقې سره خاورو ته وسپارل شي او په خاورو کې دې د هغه پرده خوندي وساتل شي او دا معقوله نده چې جسد ته دې اور ورواچول شي او بيا دې ايرې په هوا کې وشيندل شي او يا دې د هغه د وجود ايری شوی او پاتې شونې برخه په کوچنۍ شيشه کې بند وساتل شي.

په پای کې دا مقاله به په همدې وینا سره را ونغاړو چې: د مړي سوزول تر قیامت په پوری حرام او ناروا گرځول شوی او د قرآن کریم او د نبی (علیه السلام) ارشادات په دې اړه مونږ ته د همدې کار ښودنه کوي او حتی که مړي پدې خبره سره وصیت هم کړی وي؛ نو باید مونږ پوه شو چې هغه یو نامشروع وینا نورو ته پرې اېښي ده او دا کار په خپل ځان باندی یو ډول ظلم هم گڼل کیږي، ځکه چې د مړي هغه وصیت چې په ښکاره توگه سره د شرعي حکمونو سره ټکر لري هیڅکله هم په اسلام کې ارزښت نلري، بلکه د مړي ورثه و (خپلوانو) ته ښایي چې ناروا وصیت دې نه عملي کوي او کنه دواړه به یو ډول سره گناهگار و شمېرل شي.



حکم شهید گفتن کمونیستها

یکی از علاقمندان مسائل دینی سوال نموده :

کسی که رئیس جمهور زمانه کمونستی افغانستان داکتر نجیب گاو را شهید می نامد حکمش چیست؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شهادت مصطلح شرعی و مقام عالی و درجه بلند است نزد الله متعال، برای مسلمانی داده میشود که جان خود را فدای دین مبین اسلام نموده است و دارای احکام خاص میباشد از جمله اینکه: گناهان شهید بخشیده میشود، غسل داده نمی شود، با لباسش دفن میگردد، برای هفتاد نفر از خانواده و دوستان خود شفاعت می نماید، از عذاب قبر در امان می ماند، و با هفتادو تن از حوران جنت و بهشت ازدواج میکند، لهذا برای مسلمان جواز ندارد که ملحدین، کمونستان و مشرکین ولینین پرستان را شهید بنامند، و کسانی که ملحدین و کمونستهای خون خوار را شهید می نامند گناهگار میشوند و اگر بخاطر

استهزاء به دین مبین اسلام آنها را شهید می نامند خود را به سرحد کفر میرسانند، زیرا یقیناً کسانی که به نبوت و پیامبری رسول الله صلی الله علیه وسلم ایمان نداشته اند و در حالت کفر والحاد وعضویت داشتن احزاب خلق و پرجم وفات نمودند آنها بی دین از دنیا رفته اند و در آتش دوزخ میسوزند ، الله متعال فرموده است: "إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ"^{۳۵}.

کسانی که کافر شدند و در حالت کفر و بی دینی وفات نمودند لعنت الله متعال و ملائکه وهم مردم بر آنها باد .

نیز او تعالی می فرماید: "إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ"^{۳۶}.

کسی که به الله متعال شرک می آورد او تعالی بهشت و جنت را بالای این شخص حرام گردانیده و جایگاهش در آتش دوزخ آماده ساخته و مشرکین ظالم در روز قیامت کسی ندارند که آنها نجات دهد و یا برای شان کمک کند.

این ملحدین و جنایتکاران سفاک را باید مردم افغانستان همیشه مورد لعنت قرار دهند .

حد و حدود شرعی که بنده در مورد روح معلومات داشته باشد

یکی از خواهران علاقمند مسائل دینی که محصل شرعیات است از شهر کابل چنین سوال نموده:

جناب استاد آیا ارواح با دنیای زندگان ارتباط برقرار کرده میتواند و یا خیر ؟

^{۳۵} - سورة البقرة، الآية: ۱۶۱ .

^{۳۶} - سورة المائدة، الآية: ۷۲ .

اگر نمیتواند چرا بعضی ها ارواح نزدیکان شانرا که فوت کرده اند می بینند و یا خوابی که میبینیم مردگان نزدیک مان را آیا روح ها در ارتباط است.. یعنی هیچ ارتباطی بین ارواح و زندگان وجود ندارد امروز علم وجود دارد به نام روح شناسی منظور شان از آن چیست جناب استاد و فیلسوفان اسلام هم گفته های در مورد روح داشتن منظور ایشان از آن چه بوده در مورد روح، عالم غیب و یا روح و نفس انسان، بخشش باشد استاد چون با سوالی بر میخورم کسی دیگر را ندارم که همرايش در جریان بگذارم و حل مطلب نمایم و به جواب شان اطمینام هم ندارم، لطفا در مورد روح معلومات اساسی بدهید؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این سوال واقعا با اهمیت است زیرا افکار و نظریات زیاد در مورد روح وجود دارد که بعضا مخالف شریعت است و روح انسان را به شیوه های خرافاتی و مخالف شریعت تفسیر می کنند، لهذا با در مورد روح موارد ذیل را باید در نظر داشته باشیم :

۱- روح یکی از مخلوقات الله متعال است که انسان وزنده جانها توسط آن زنده میباشند، وهنگامیکه روح از بدن آنها بصورت کلی خارج می شود آنها می میرند، ووقتی که روح بصورت جزئی از بدنها آنها خارج میشود آنها بخواب می روند.

۲ - روح متصل ویکجا با بدن انسان میباشد از وقتی که در شکم مادر میباشد تا اینکه دنیا میاید وزندگی میکند وبدنیا میباشد.

۳- روح یکی از اسرار الله متعال میباشد واز جانب او تعالی خلق شده وتنها او تعالی روح را میداند وهیچ مخلوق وذاتی در مورد روح غیر از الله متعال علم ندارد، الله عزوجل

در قرآن کریم فرموده است: "وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا"^{۳۷}.

و تو را از روح سوال می کنند که یهود از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد روح سوال میکردند، الله متعال رهنمایی نمود که برای شان بگو علم روح مربوط الله متعال میشود و از اسرار او است و شما تنها معلومات کم دارین در این مورد.

۵- حتی با پیشرفت و ترقی علم طب و تحقیقات علمی و انکشافات گوناگون این علم نتوانسته است که در مورد حقیقت روح معلومات بیشتر پیدا کند از همین حدی که شریعت تعریف کرده.

۴- این برداشت نادرست، غلط و خرافاتی و مخالف شریعت است که گویا ارواح مرده ها بعد از وفات آنها میانند و زنده ها واقارب شان ارواح آنها را میبینند و احساس میکنند، وقتی که انسان می میرد با روح و جسد می میرد و ارتباطش از دنیا قطع میشود، به این معنی که انسان با روح و جسد می میرد، مهم این است که بدانیم که انسان از دنیا که می رود با روح و جسد ارتباطش از زنده ها و دنیا قطع میشود، و کسی در این دنیا نمی ماند، الله متعال فرموده است "کل شیء هالک إلا وجهه"^{۳۸} هر مخلوق می میرود مگر خالق ما الله متعال نمی میرد، نیز فرموده است: "کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام"^{۳۹} هر کسی و مخلوقی که در دنیا است رفتنی است یعنی میمیرد و باقی نمی ماند.

^{۳۷} - سورة الإسراء، الآية: ۸۵-۸۶.

^{۳۸} - سورة القصص، الآية: ۸۸.

^{۳۹} - سورة الرحمن، الآية: ۲۶-۲۷.

۵- نعمتها و عذاب قبر اصلا بر روح انسان واقع می شود لیکن بعض وقت بر روح و جسد انسان واقع می شود و روح به جسد انسان متصل میباشد و حاضر می شود مگر الله ذوالجلال و الإکرام نمی میرد.

و باید بدانیم که مستحق عذاب قبر اشخاص گنهگار و غیر مسلمان میباشند، و نعمتهای قبر به مسلمان و مؤمن جنتی تخصیص داده می شود و این عقیده مسلمان است و بخش از ایمان به روز آخرت است، و برای جنتی کلکین از باغهای جنت و برای دوزخی دریچه و کلکین از دوزخ باز می شود.

و در اصل عذاب و نعیم قبر بر روح واقع می شود و بارها روح به جسد وصل می شود و بر هردو هم واقع می شود، و این نظر شیخ الإسلام ابن تیمیه و ائمه اهل سنت و جماعت است، و اکثر علمای عقیده و الهیات به همین نظر هستند.

۶- هر وقتی که انسان وفات کند در همان وقت قیامتش برپا می شود در حدیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: " إذا قبر أحدکم فقد قامت قیامته".

وقتی که یکی از شما وفات کند و در قبر مانده شود قیامتش برپا می شود به این معنی که اگر جنتی و بهشتی باشد از نعمتهای جنت مستفید می شود و اگر دوزخی باشد در عذاب باقی میماند.



خیراتهای جمعه گی و چهلم

یکی از دوستان محترم بنام عبد الناصر واحدی از ولایت تخار سوال نموده و خواهش کرده که باید آداب تعزیت و ثواب رسانی را به میت مسلمان به هموطنان عزیز ما شرح کنیم و توضیح دهیم و مولوی صاحبان را رهنمائی کنیم :

بعد از متوفی وارثین آن خوراک میکنند بنام های جمعه روز هفتم روز چهارم و سال گفته آیا این طریقه درست است و ثوابش به متوفی میرسد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

برای این برادر محترم باید بنویسم که خیرات کردن بعد از وفات مرده بنام جمعگی، چهلم و سال نا مشروع و بدعت شمرده می شود، نه رسول الله صلی الله علیه وسلم کرده و نی هم اصحاب کرام و نی هم تابعین، و ثابت نیست، اما مسلمان می تواند برای برادر میت خود ثواب اعمال ذیل را اهداء کند:

۱- می تواند برایش دعای مغفرت و طلب جنات الفردوس نماید، بهترین وسیله و سلاح دعاء است، همیشه دعاء کند.

۲- می تواند برای فقیران و محتاجان و مسکینان صدقه بدهد و ثوابش را برای این دوست میت و یا اقارب میت خود اهداء کند، این هم ثوابش میرسد برای مردگان مسلمان.

۳- می تواند برایش حج و عمره کند یعنی به نیابت از مردگان، ثوابش برای شان میرسد.

۴- وقف کردن منفعت و کارهای خیر مثلا ساختن مسجد، مدرسه، راه و جاده. پول بالای دریا، چاه آب، باغ، خریدن کتابهای دینی و شرعی برای مدارس، فرش مساجد، تربیه، یتیمان، کومک کردن در ازدواج فقیران، کومک کردن به بیوه زنان، صدها راه های خیر دیگر وجود دارد.

این سه مورد در نصوص شرعی ذکر شده.

اما ثواب نماز کسی به مردگان نمی رسد و هیچ نص و دلیل شرعی دال بر رسیدن ثواب نماز و یا تلاوت قرآن کریم به مردگان وجود ندارد.

ومی تواند بعد از نماز های فرض و در اوقات استجابت دعاء برایش دعای مغفرت کند، مثلاً بعد از نمازی های فرض، و در بین اذان و اقامه، و بعد از سوم حصه شب، و در وقت افطار کردن روزه، و در ساعت اخیر روز جمعه.

آداب تعزیت این طور آمده در سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و عمل کرد صحابه و مذهب حنفی:

۱- تعزیت از وقت وفات و دفن جنازه شروع می شود و برای سه روز ادامه می یابند و بهتر که مسلمان درین سه روز به اهل میت تعزیت بدهد، و برای اهل و خوانواده مرده گفته می شود که (عظم أجرکم و غفر لمیتکم) خداوند شما را اجر برزگ نصیب کند و میت و مرده شما را مغفرت کند، و ایشان را به صبر و شکیبای و صبر و استقامت دعوت نموده و اینکه مردن حق است و مسلمان باید به قضاء و قدر تسلیم شود، و برای کسانی که در ساحه استند تا به سه روز می توانند که تعزیت دهند و منصرف شوند، و کوشش کنند که در خانه اهل میت نان خوری ننمایند و آنها را به زحمت و تکلیف نسانند، و بعد از سه روز تعزیت نکنند که غم اهل میت تازه نشود.

۲- اقارب و همسایه ها و دوستان برای اهل خانه میت نان پخته و آماده شده ببرند.

۳- اهل میت و مرده را در ضمن تسلیت دادن از گریه و نالان و بی صبری خصوصاً کالا پاره کردن و یخن پاره کردن منع شود، و این عمل مطابق شریعت نیست بلکه از عادات جاهلیت است، و مسلمان مأمور است که در خوشی و غم در دائره و چوکات شریعت بماند.

۴- اگر کسی مسافر باشد می تواند بعد از بازگشت از سفر خانواده میت را تعزیت دهد البته در مدت کوتاهی فقط.

لیکن متأسفانه در فاتحه خوانی های مروج کشور ما بعض عادات و تقالید و عمل کرد های آن اساس و دلیل شرعی ندارد مثلاً:

۱- در مجلس فاتحه خوانی قرآن کریم خواندن توسط قراء هیچ دلیلی وثبوتی شرعی ندارد و اصلاً ثواب و اجر خواندن قرآن کریم دیگران به مرده نمی رسد نظر به قول راجح علماء.

۲- برگزاری محفل جمعگی و چهل و محفل سالی و خیرات ها درین روزها هیچ دلیلی شرعی ندارد .

۳- پوشیدن لباس سیاه و یا ترک کردن کار و زندگی و وظیفه و الغاء نمودن بر نامه و پروگرامهای حیاتی مثل عروسی ها و شیرینی خوری ها خواستگاری و غیره، را به دلیل اینکه فلان مردم مرده دار هستند، این همه در شریعت جواز ندارد تنها سه روز این کارها معطل شده می تواند و بعد ازان باید همه امور طبیعی و عادی باشد.

از صحابی جلیل جریر بن عبد الله البجلی رضی الله ثابت شده که ایشان فرمودند: "کنا نعد الاجتماع إلى أهل الميت وصنعة الطعام بعد دفنه من النياحة"^{۴۰}، حتی برگزاری این نوع محافل و خیراتها و طعام خوری ها را در منزل و خانه اهل مرده را ما از نياحة یعنی بی صبری و عادات جاهلیت می شمردیم و مردم را منع می کردیم که در اعمال و رفتار و شیوههای جاهلیت نرسند.



وصیت میت اگر مخالف شریعت باشد به آن عمل نشود

یکی از دوستان محترم از شهر کابل سوال نموده :

جناب استاد سلام امید صحت مند باشید.

^{۴۰} - أخرجه أحمد في مسنده، مسند المكثرين من الصحابة، مسند عبد الله بن عمرو بن العاص رضي الله عنهما، رقم الحديث: (٦٩٠٥)، (ج ١١، ص ٥٠٥).

تعدادی بالای تعدادی دیگر از اعضای خانواده خود دین میکنند که زمانیکه من فوت کردم فلان شخص یا اشخاص را بالای جنازه من اجازه ندهید.

به چنین موضوع چند روز پیش روبرو شدیم که متوفی گفتند اجازه نیست که بیاید برای من قسم داده این چی گونه است استاد گرامی؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

مسلمان باید قبل از وفات وصیت به کارهای خیر و نیک و صالح نماید و از خود اثر ارزشمند بجا بماند تا اینکه در آخرت برایش شفاعت نماید نه اینکه به قطع صله رحم ورشد دادن کینه و بغض و عداوت و دشمنی تشویق کند و وصیت نماید، این وصیت قابل تنفیذ و اجراء و عمل نیست زیرا مخالف شریعت و رهنمودهای دین مبین اسلام است که همانا مسلمان را به نیکی ها دعوت می دهد.

یه این وصیت مخالف شریعت عمل نکنید و کسانی را که از حضور جنازه و آمدن در مجلس عزاء منع کرده آنها آزادانه می توانند که حضور یابند و شرکت کنند.

این نوع وصیت فاقد اعتبار است در شریعت.

اما اگر وصیت کرده باشد که فلان شخص من را بعد از وفات غسل دهد به وصیتش عمل شود، و نیز اگر وصیت نموده باشد در قسمت توزیع مالش به اندازه سوم حصه مال هم تنفیذ شود و بیشتر از آن نشود زیرا در مال حق ورثه تعلق دارد.



پوشانیدن مرده ها و تابوتها با چادر و تکه کلمه دار

یکی از دوستان از ولایت لو گر سوال نموده :

جزاک الله خيراً استاد محترم بالای تابوت و بالای میت که چادر کلمه یا آیه الكرسي را می اندازد چی طور است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

پوشانیدن مرده ها و تابوتها با چادر و تکه کلمه دار، یا آیه الكرسي، و آیات قرآن کریم جایز نیست زیرا:

اولاً: قرآن کریم برای رهنمائی زنده ها نازل شده که تلاوت نمودن آن و عمل کردن به احکام آن واجتناب و دوری از نواهی آن ثواب و اجر دارد، و به مرده و میت تعلق ندارد، زیرا ارتباط مرده از دنیا قطع میشود بعد از وفات.

ثانیاً: بعض مردم عقیده و برداشت نادرست میداشته باشند که این کار شان سبب مغفرت مرده و میت می شود و برایش ثواب میرساند در حالی که این کار از قرآن و سنت و آثار و عملکرد صحابه کرام و تابعین و اتباع تابعین و فقهای سلف امت دلیل ندارد و نیز از فقهای مذاهب فقهی نقل نشده که مرده را با چادر کلمه دار بپوشانند این یک بدعت و نوآوری است باید بدانیم که کسی این کار را انجام می دهد گنهگار می شود.

ثالثاً: انداختن چادر کلمه دار و آیت الكرسي، و آیات قرآن کریم بالای مرده سبب بی احترامی آیات قرآن کریم می گردد زیرا بر پاهای او نیز میرسد.

رابعاً: ثواب رسانی و احترام به مردهای مسلمان با شیوه ها و رهنمائی های که در قرآن و سنت و آثار صحابه کرام ذکر شده انجام داده میشود نه با شیوه های خرافاتی و نوآوری در دین و بی احترامی آیات قرآن کریم و کلمه توحید.

خامساً: شیوه درست و صحیح ثواب رسانی و احترام مرده های مسلمان این است که میت و مرده بطریقه درست و مطابق سنت غسل داه شود و تکفین گردد، و نماز جنازه اش ادا شود و بعد از دفن نمودن قرضه های ادا گردد و به وصیت شرعی اش عمل شود.



وصیت میت که باید در فلان مقبره دفن شود

یکی از هموطنان عزیز ما سوال نموده:

استاد گرامی، امیدوارم روزگار خوش بگذرد یک سوال داشتم اگر شخصی وصیت کرده باشد که من را در فلانه جای دفن کنید ولی اولاد هایشان در مکان دیگری دفن شان میکنند. آیا کدام دینی بالای شان است یا نه تشکر؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در شریعت مانع شرعی نیست از وصیت نمودن شخص که بعد از وفات باید در فلان مقبره دفن شود این وصیت جواز دارد جواز دارد.

مثلا در مقبره که نسبتا از گشت و گذر مردم دور باشد و نیز در آنجا مسلمانان خوب و مؤمنان دفن شده باشند در این صورت هیچ حرج شرعی نیست که انسان وصیت کند و باید اولادها واقاربش به وصیت میت عمل کنند، در صورتی که زیاد دور نباشد و برای شان آسیب نرسد و به تکلیف نشوند و مصارف زیاد نداشته باشد، اما اگر برای شان تکلیف راه دور باشد و در مناطق نا امن واقع شود و یا اینکه خارج کشور باشد در این صورت وصیت او قابل عمل نیست.



حکم کسی که در حال جنابت وفات شده باشد

یکی از دوستان از ولایت ننگرهار سوال نموده :

حکم مرگ در حالت جنابت چطور است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

وفات و مرگ انسان در حالت جنابت به سبب مباح مثل همبستری خانمش یا احتلام دلالت نمی کند که گویا این شخص ضعیف الایمان بوده و التزام دینی نداشته و در دینداری اش خلل است و یا اینکه از دنیا با سوء خاتمه رفته است بلکه انسان از روی اعمال خوب و بد خود در آن دنیا معامله میشود..جنب بودن در حالت وفات کدام تأثیر سلبی ندارد.

در روایات تاریخی ثابت است که صحابی قهرمان حنظله رضی الله عنه هنگامیکه به شهادت رسید جنب بود و بعد از همبستری وقت غسل کردن را نداشت بخاطر مقابله با دشمن، نیز بعض روایات دیگری وجود دارد که حمزه بن عبد المطلب کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم نیز در حالت جنابت به شهادت رسید.

هنگامیکه مرد در حالت جنابت وفات کند و بمیرد وزن در حالت حیض و نفاس وفات کند تنها یک غسل دادن آنها کافی است که در غسل جنازه و جنابت و حیض و نفاس حساب میشود.

همه فقهاء اتفاق دارند که تنها یک غسل داده شوند تنها حسن البصری رحمه الله نظرش این است که باید دو غسل داده شود یکی غسل جنابت دومی غسل جنازه.



چگونگی برخاستن انسان در روز قیامت

یکی از دوستان سوال نموده:

استاد محترم یک سوال داشتم شنیده ام که هرکسی که به هر حالت فوت کرده باشد به همان حالت حشر میگردد یعنی اگر کسی در حالت زنا فوت کرده باشد در همان

حالت حشر می‌گردد و همچنان شنیده ام که هر کسی که در حالت زنا و شراب خوردن فوت کرد بی ایمان می‌رود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

در صحیح مسلم از صحابی جلیل القدر جابر بن عبد الله رضی الله روایت شده که فرموده است: "سمعت النبي صلى الله عليه وسلم يقول: يبعث كل عبد على ما مات عليه"^{۴۱}.

رسول الله صلى الله عليه وسلم را شنیده ام که فرمود: هر بنده برمی خیزد در روز قیامت در هر حالتی که وفات نموده، به این معنی که کسی در حالت طاعت الله متعال و عبات او مثل تلاوت قرآن کریم، نماز و سجده و رکوع و یا ملبس به لباس احرام و غیره وفات نماید در همین حالت برمی خیزد و آنانیکه در حالت شرک آوردن به الله متعال، بیهوشی شراب نوشی، زنا، دزدی، ظلم، قتل، سود خوری، رقص و غیره گناهان می میرند در همان حالت بر می خیزند و حشر می شوند، این مفهوم ظاهر همین حدیث صحیح است و همین یک قول نزد شارحین حدیث است و بعض علماء به این نظر هستند که سرنوشت هر انسان بدست او تعالی است و انسان بر مسلمان گنهگار حکم قطعی کرده نمی تواند، لیکن الله متعال در قرآن کریم کسانی را که از طاعت او تعالی روگردان هستند و در گناهان و معاصی غرق هستند تحذیر نموده و فرموده است: "وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى"^{۴۲}.

هر کسی که از ذکر و طاعت و عبادت او امر من روگردان باشد در روز قیامت خوار و ذلیل میگردد و در تنگنا و مشقت و سختی زندگی میکند و در روز قیامت کور حشر میشود زیرا که در این دنیا از حقائق چشم پوشی کرده است.

^{۴۱} - أخرجه مسلم في صحيحه، كتاب الجنة وصفة نعيمها وأهلها، باب الأمر بحسن الظن بالله تعالى عند الموت، رقم الحديث:

(۲۸۷۸)، (ج ۴، ص ۲۲۰۶).

^{۴۲} - سورة طه، الآية: ۱۲۴.

در حدیث صحیح از انس بن مالک رضی الله عنه ثابت که فرمود: "قال رسول الله صلی الله علیه وسلم : إذا أراد الله بعبد خيراً استعمله قالوا : كيف يستعمله ؟ قال : يوفقه لعمل صالح قبل موته".

اگر الله متعال به بنده خود اراده خیر نماید او را در راه خیر وانجام کار استعمال می نماید صحابه کرام سوال نمودند که چگونه استعمال میشود؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که: او را توفیقه که کار نیک و عمل صالح انجام دهد قبل از وفاتش.

سلف صالح همیشه از الله متعال حسن خاتمه زندگی را مسألت می نمودند و از سوء وبدی خاتمه زندگی به او تعالی پناه می خواستند.



آداب تعزیت دادن به اهل و خانواده میت و مرده مسلمان

بسیاری در صفحات فیسبوکی بخاطر تعزیت اهل میت و خانواده مرده این آیه کریمه را نوشته می کنند (إنا لله وإنا إليه راجعون) در حالیکه این آیه فقط در وقت مصیبت به زبان آورده می شود و باید در وقت مصیبت گفته شود، لیکن باید متوجه شویم که از الفاظ و کلمات تعزیت نیست و به معنای دعاء به اهل میت هم نیست.

تعزیت گفتن آداب خاص دارد که در سطور ذیل بیان می شود:

باید مسلمان برای میت و شخص وفات شده دعای مغفرت و طلب بهشت برین نماید و برای خانواده بازماندگانش طالب صبر شود، و الفاظی خاصی وجود ندارد برای تعزیت لیکن بهتر این است که برای اهل میت گفته و نوشته شود: (أحسن الله عزاءک وجبر مصیبتک وغفر لمیتک) اگر میت مسلمان باشد، خداوند عزاء و مصیبت تانرا بخیر بگذارند و مصیبت تانرا به خیر عوض کند و میت تانرا مغفرت کند، نیز می تواند که برایش بگوید و بنویسد: (إِنَّ لِلَّهِ مَا أَحَدٌ ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ ، وَكُلٌّ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى ، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ).

خداوند متعال گیرنده ودهنده است وهر چیز نزدش به یک اجل ومدت خاصی نوشته شده است و آجال نوشته ومکتوب است باید مسلمان صبر کند که اجر نصیبش گردد.

نیز به لفظ دیگری بگوید: (عَظَّمَ اللهُ أَجْرَكَ، وَأَحْسَنَ عَزَاءَكَ، وَغَفَرَ لِمَيْتِكَ، وَأَلْهَمَكَ صَبْرًا، وَأَجْزَلَ لَنَا وَلَكَ بِالصَّبْرِ أَجْرًا..). خداوند اجر بزرگ نصیب تان گرداند وعزاء ومصیبت تانرا به نیکی تمام کند ومرده تان را ببخشد وترا صبر نصیب کند وبرای ما وشما صبر وپاداش بی پایان نصیب فرماید.

نیز متوجه باید باشیم که به سر وروی زدن ویخن پاره کردن وبی صبری زیاد از عادات جاهلیت است ومسلمان باید صبر کند وبرای میت دعای مغفرت نماید، وهم اسقاط وتوزیع قرآن کریم بالای قبر آن، وخواندن قرآن کریم در سر مرده قبل از دفن نه جایز است ونه در شرعیت مشروعیت دارد.

وبرپاکردن محفل جمعگی وجهل روزه گی وسالانه برای مرده هیچ جوازی ندارد وبدعت ونو آوردی بوده بالاخره گناه شمرده می شود.



د تسلیت ورکولو آداب

ډیر ورونه په فیسبوکي پاڼو کې د مړي کورنۍ ته د تسلیت ورکولو په خاطر دا آیت کریمه لیکي (إنا لله وإنا إليه راجعون) په داسې حال کې چې دا آیت یوازې د مصیبت پر وخت په ژبه راوړل او ویل کېږي.. لیکن باید پاملرنه وکړو چې دا د تعزیت الفاظ او کلمات نه دي او د مړي خپلوانو ته د دعاء په معنا هم نه دي...

تعزیت/تسلیت ځانگړي آداب لري چې په لاندې ډول بیانېږي:

باید مسلمان د وفات شوي شخص لپاره د مغفرت دعا او د جنت غوښتنه وکړي او پاتې شویو او کورنۍ ته یې د صبر غوښتونکی شي... د تعزیت لپاره کوم خاص الفاظ نشته لیکن دا الفاظ بهتره دي چې د تسلیت لپاره وویل شي یا ولیکل شي: (أحسن الله عزاءك وجبر مصيبتك وغفر لميتك) البته که وفات شوي شخص مسلمان وي... الله تعالی دې ستاسو عزاء او مصیبت په خیر تېر کړي، د خیر بدله دې یې درکړي او ستاسو وفات شوي ته دی بخښنه وکړي... دا رنگه کولای شي دا الفاظ ووايي او یا ولیکي: (إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ ، وَكَهُ مَا أُعْطِيَ ، وَكُلُّ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى ، فَلْتَصْبِرْ وَكَلْتَحْتَسِبْ).

پروردگار ورکوونکی او اخستونکی دی او هرڅه د هغه په نزد دیوې ځانگړې مودې او نیتې لپاره لیکل شوي دي، نو باید مسلمان صبر وکړي چې اجر یې په برخه شي...

دا رنگه په نورو الفاظو دې ووايي: (عَظَّمَ اللهُ أَجْرَكَ ، وَأَحْسَنَ عَزَاءَكَ ، وَغَفَرَ لِمَيْتِكَ ، وَأَلْهَمَكَ صَبْرًا ، وَأَجْزَلَ لَنَا وَلَكَ بِالصَّبْرِ أَجْرًا..) الله تعالی دې ستاسو لوی اجر په نصیب کړي، ستاسو غم او مصیبت دې په نېکۍ تمام کړي، ستاسو وفات شوی دې وبخښي، تاسو ته دې صبر نصیب کړي او مور او تاسو ته دې نه ختمېدونکی صبر او بدله راکړي.

دا رنگه باید پام مو وي چي مخ او سر وهل، گريوان خيرې كول او دپره بي صبري د جاهليت عادتونه دي، مسلمان بايد صبر او مري ته د مغفرت دعا وكړي... او هم اسقاط او دهغه په قبر د قرآن كريم توزيع كول او د مري په سر د قرآن كريم لوستل نه جائز دي او نه هم په شريعت كې مشروعيت لري.

د مري لپاره د خلوينستمي ورځي او يا د كال د پوره كېدو محفل جوړول هيڅ جواز نلري بدعت او نوي والي دي او بالاخره گناه شمېرل كېږي.



بنام شام حلوا در شب وفات مرده

آيا شام حلوا را كه در شب وفات مرده ميكنند وبه مردم ميدهند كار شرعي است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

اين يك عادت ورواج است كه نوآوری شده واصل و دليل ندارد و بايد منع شود.



آتش بازی بالای جنائز رهبران پیشین و حاملین آن

بزرگوار درباره تمبه تیلک امروز چیزی نگفتید من حیث یک عالم مردم در انتظار است یک رهنمائی اگر کنید کار خوب میشود از شریعت.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

عملکرد ملیشه های ببیندوبار و فیرنمودن آنها بالای جنائز واموات رهبران پیشین جهاد ومقاومت در مقابل انگلیس ومزدوران شان وحاملین آن گناه بزرگ وجرم وجرمه پنداشته می شود. ..این ملیشه ها باز ثابت کردند که همیشه آله دست بیگانگان هستند و ضد مردم وملت افغانستان عمل میکنند وبه جان ومال مردم حرمت قائل نیستند.

وجود مسلحانه وغیر قانونی ملیشه های زبانی وسمتی به این پیمانہ بزرگ در پایتخت کشور سوال برانگیز است ومشروعیت و زارتهای داخله ودفاع وگارنیزیون را زیر سوال میبرد..ومردم احساس میکنند که جنایات جنگی ووحشت وبربریت های دهه های گذشته تکرار نشود .

اردو وپولیس ملی وظیفه ایمانی وملی دارند که ملیشه های سمتی وزبانی را نه تنها در تشکیلات خود جای ندهند بلکه وظیفه دارند آنها را غیر مسلح سازند که جان ومال مردم را به مخاطره نیندازند ..وتجارب تلخ زمانه حاکمیت کمونسستها وما بعد آنرا تکرار نشود .

کسانی که بر جنازه فیر کردند وحرمت زنده ومرده را پامال کردند باید محاکمه شوند. وشرعا مسؤل هستند .

این واقعه بخوبی روشن ساخت که ملیشه تشکیلات نظامی قومی وأحزاب سمتی وزبانی نه تنها در مخالفت با رهنمودهای شریعت اسلامی ودین مبین اسلام قرار دارد بلکه سبب ایجاد فتنه می شوند در بین ملت ما.

عضویت داشتن سیاسی ونظامی در احزاب و تشکیلات به اساس زبان وسمت قطعا حرام است.

صبر وتحمل وبردباری مردم شریف ومتدین ودلیبر که جنازه ها را حمل میکردند وهمراهان شان قابل تقدیر است که دست به سلاح نبردند ومنظور حل مسالمت آمیز

شدند... و فتنه را دفن کردند... در حقیقت ضعف و کمزوری نبود بلکه از تعقل و حکمت کار گرفتن بود.



حکم نقل اموات

یکی از دوستان سوال نموده که:

سوال داشتم اگر راهنمایی کنید خوشحال می شوم، یک انسان مسلمان دوازده سال در یک مقبره در یک منطقه دفن حالا از اونجا سرک عمومی میگذرد کار جریان دارد وارثان میت می خواهند در یکجای انتقال بته شیوه انتقال چی قسم است آیا کدام مراسم خاص دارد یا خیر؟ خداوند متعال به علم تان برکت بدهد.

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

نقل دادن میت و مرده دفن شده از قبر فعلی به مقبره دومی در صورت ضرورت شرعی جواز دارد.

- بدون ضرورت شرعی قبر کشائی و نقل دادن مرده دفن شده جواز ندارد زیرا بی احترامی می شود، و حرمت مرده برابر به حرمت زنده ها است بلکه بیشتر است زیرا مرده از خود دفاع کرده نمی توانند.

- مثلاً اگر در راه دفن شده باشد و اذیت شود، و یا جای سیلاب باشد، و یا خطر این باشد که دزدان استخوانهایش را نبرد، و ترس بی حرمتی اش باشد، و یا در زمین ملکیت کسی دفن شده باشد... یا در بین غیر مسلمانان باشد.

- بهتر است که برایش تابوت ساخته شود و توسط اشخاص ماهر و دیندار و امانت کار قبر باز شود و به آهستگی نقل داده شود و در فضای محترمانه دفن شود.

-تنها احتیاط واهتمام واحترام میت لازم است که اذیت نشود این در نقل دادن شرط است..وکدام مراسم خاص ندارد اگر کدام مولانا باشد بهتر که سرپرستی این کار را کند خوب می شود..زیرا وجود عالم شرعی در چنین حالات بهتر است.



د مړي کورنۍ ته د تعزیت ورکولو لپاره د میړمنو ورتلل مشروع او جایز دي

یو محترم دوست مو د سمنگان ولایت د اییک ولسوالۍ څخه دارنگه پوښتنه کړې ده:

استاد محترم د عزاداری او فاتحې په خاطر د بنځو تلل جواز لري یا خیر، یو شمېر بنځې د نامحرمو ګاونډیانو د جنازې لپاره ځي .. هغوی ته پیسې او جامې راوړي او ورکوي؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

شریعت میړمنو ته اجازه ورکړي ده چې د مړي اهل او کورنۍ ته تعزیت او تسلیت او مړي ته د دعاء لپاره د تعزیت مجلس ته او یا د میت کورنۍ ته ورشي حتی ولو که اقارب او نژدې ګاونډي یې هم نه وي، تنها با حجاب اوسپدل، زیات فریاد، ژړا او بې صبري نه کول شرط دي.

مړي ته د مغفرت دعاء څخه علاوه دې د مړي کورنۍ ته تسلیت ورکړي او دې ته دې یې وهڅوي چې بې صبري ونکړي او قضاء او قدر ته تسلیم شي.

اما د پیسو او لباس اخستل او د اسقاط په لاس راوړل جواز نه لري او بدعت شمېرل کېږي.



آیا وجود چهل نفر برای نماز جنازه شرط است

یکی از دوستان محترم از شهر کابل چنین سوال نموده:

آیا در نماز جنازه دلیلی وجود دارد قسمی که شنیدم میگویند که حد اقل ۴۰ نفر در نماز جنازه شامل باشند؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این نظریه درست نیست، تنها یک برداشت غیر صحیح است از حدیث صحیح که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده: "ما من میت تصلي عليه أمة من المسلمين يبلغون مائة كلهم يشفعون له إلا شفَعُوا فيه"^{۴۳} ودر روایت دومی چنین ذکر شده "ما من رجل مسلم يموت، فيقوم على جنازته أربعون رجلاً لا يشركون بالله شيئاً إلا شفَعهم الله فيه"^{۴۴} مسلمان که بمیرد صد نفر مسلمان جنازه اش را بخواند وبرایش دعای مغفرت کنند وشفاعت نمایند الله متعال او را می بخشد وشفاعت بندگان موحد خود را که در روایت اول صد ودر روایت دوم چهل نفر آمده قبول میکند در حق میت.. ودر جنازه تعداد نمازگزاران هرچه بیشتر باشد به همان اندازه ثواب بیشتر دارد.

اما نماز جنازه به حضور چهل نفر مربوط نمی شود ودر چهار نفر، وهفت نفر هم جنازه خوانده می شود.



گریه و نالان شیوه ثواب رسانی نیست

یکی از خواهران از کابل سوال نموده :

^{۴۳} - صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب من صلی علیه مائة شفَعُوا فيه، رقم الحدیث: (۹۴۷)، (ج ۲، ص ۶۵۴).

^{۴۴} - صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب من صلی علیه أربعون شفَعُوا فيه، رقم الحدیث: (۹۴۸)، (ج ۲، ص ۶۵۵).

استاد محترم مادرم قبل از سه ماه وفات نمود و حالا دلم طاقت نمی کند هر روز گریه میکنم ..مرا رهنمائی کنید که تسلی ام شود ..اطفالم هم خسته می شوند چی کنم که از حالت بر آییم ؟

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على رسول الله أما بعد:

مسلمان باید به قضاء و قدر ایمان داشته باشد و بی صبری منافی این امر است، گریه و نالان نشانه از بی صبری است.. بهترین گزینه برای ثواب رسانی به والده - رحمها الله - استغفار است که در قرآن کریم ثابت است: "ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان"^{۴۵} بروردگارا ببخش گناهان ما را و برادران و خواهران ما را که با ایمان از این دنیا رفتند.

و نیز فرموده است: " استغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات "^{۴۶} طلب مغفرت بکن از الله متعال بخاطر عفو گناهان خود و مؤمنان مرد و زن.

و آیه مبارکه دیگری به صراحت امر می نماید که مسلمان برای خود و برای والدین خود یعنی پدر و مادر و برای همه مؤمنان و مسلمانان مغفرت بخواهد که در روز قیامت الله متعال همه را مورد عفو و بخشش قرار دهد: " ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب "^{۴۷}.

و همچنان فرموده است که مسلمان این دعاء را بخواند برای مغفرت مسلمانان زنده و مرده " رب اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين والمؤمنات "^{۴۸} بروردگارا ببخش

^{۴۵} - سورة الحشر: ۱۰.

^{۴۶} - سورة محمد: ۱۹.

^{۴۷} - سورة إبراهيم: ۴۱.

^{۴۸} - سورة نوح: ۲۸.

ومغفرت کن من را و برای والدین یعنی پدر و مادر من و کسی که از جمله مسلمانان
ومؤمنان در خانه من داخل شده است.

دعاء و طلب مغفرت بسیار گزینه خوب و آسان است برای ثواب رسانی به مرده و میت
مسلمان.. همچنان صدقه جاریه و وقف کردن و صدقه عینی و نقدی و عادی، وحج کردن
و عمره نمودن ثوابش به مرده مسلمان میرسد.

تنها بخشیدن ثواب نماز و تلاوت قرآن کریم برای مرده ثابت نیست و دلیل صحیح
ندارد.

اما گریه و نالان و پاره کردن کالا و یخن و بی صبری کردن بیش از حد از اعمال
و کردار جاهلیت قبل از اسلام است.



وظیفه رفتن در حالت عده

یک خواهر هموطن ما از جرمنی سوال نموده:

استاد محترم در جرمنی میباشم، شوهرم به اثر مریضی وفات نمود، اولاد دارهستم
و در دفتر مرکز اسلامی و مسجد "The Islamic Center" کار میکنم و مسؤولیت
روابط عامه را دارم که تلفون را جواب بدهم آیا می توانم که در مدت عدت به وظیفه ام
بروم به رهنمائی عاجل شما ضرورت است؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، اما بعد:

درین شکی نیست که مرگ ووفات ومردن حق است ، وبعد از وفات شوهر بعض احکام شرعی است که باید خانمها آنرا مراعات کنند از جمله آن عدت گرفتن خانمها بخاطر اظهار غمگین بودن از دست رفتن نعمت نکاح وشوهر وشریک زندگی..وعدت وفات چهار ما وده روز میباشد بر خانمهای که حامله نباشند و خانمهای حامله عدت شان همانا ولادت طفل شان است..از جمله آداب را که شریعت در نظر گرفته که باید خانمها در عدت وفات شوهر بر آن پابند باشند:

۱- بقا وبودن در منزل وخانه شوهرش درین مدت واگر بخاطر خریدن ضروریات، تداوی، کار ووظیفه ویا دیدن خانواده وفامیل پدری خود میروود باید در روز برود ودر شب بر گردد ودر جای دیگری شب نماند..وبودنش در منزل که شوهر وفات شده اش شرط است..مگر اینکه خانه کرائی باشد ودرین مدت مالک خانه جواب دهد درین صورت می تواند در خانه کرایه جدید ویا خانه پدرش برود..ونیز اگر مورد آزار واذیت اهل واقارب شوهرش قرار میگیرد درین صورت نیز می تواند خانه را به مقصد خانه پدر وبرادرش ترک کند.

۲- لباس عادی بپوشد واز پوشیدن کالای زینت بخش وآرایش وعطر زدن، سرمه کشیدن، خینه کردن، پوشیدن زیورات طلا .نقره.الماس، وغیره مسائل که دیگران را ملتفت ومتوجه میسازد خود داری کند زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم منع کرده است ازین امور .

۳- قبول نکردن خواستگار مرد زیرا بر مردها حرام است که خانم که شوهرش وفات شده واو در مدت عدت است آنرا خواستگاری کند وبااید احساساتش را درین حالت مراعات کند زیرا عدت از حقوق شوهر وفات شده است باید پامال نشود لیکن می تواند که تنها بصورت غیر مستقیم کاری کند که دلالت بر خواستگاری باشد..که در شریعت

آنرا کنایه می نامند..مثلا برایش احوال دهد می خواهیم باقی زندگی تان را با ما بگذرانی ویا در مرحله بعدی ما می خواهیم خدمتگار تان باشیم.

وبعض امور وکارهای دیگری که مردم آنرا حرام میدانند..در حال که جائز ومباح میباشد :

پوشیدن کالا ولباس سیاه که در شریعت نیست واو را ملزم نکرده ومجبور نیست که لباس سیاه بپوشد، ویا اینکه خانه را جاروب نکند، وصابون وشامپو استعمال نکند، غسل نکند، صحبت تلفونی نداشته باشد، به مهتاب نبیند، ونمک .مرچ ومساله جات را لمس نکند، در آئینه نبیند، این چیزهای است که همه مباح است وشریعت منع نکرده.

برای خانمهای که در عدت قرار دارند بهتر است که از کار ووظیفه رخصتی داشته باشند اگر ممکن باشد. واگر ممکن نباشد به کار ووظیفه ودرس بروند لیکن شب را در خارج خانه نگذرانند..ومی توانند بخاطر تداوی وخریدن ضرورتهای خانه هم به بازار بروند.

اما برایشان جواز ندارد که بخاطر سیر وسیاحت وچگر زدن از خانه بیرون شوند زیرا سیر وسیاحت شرعی شمرده نمی شود.



نقب شهید به کیها داده می شود؟

آیا کسی که غرق در انحرافات وبدعات وشرکیات باشد شهید شمرده می شود؟ آیا کسی که مردم را به بندگی خود وپیر باده دعوت میداد شهید گفته می شود؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

بدون شک شهادت مقام والای است که نصیب بندگان راستین الله متعال می شود نه کسانی که غرق تا به گوش در انحرافات و مخالفات سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم غرق باشد. هر کسی که در حالت جنگ با سنت بمیرد و به وحدانیت الله متعال عقیده نداشته باشد و متلبس به شرکیات باشد شهید شمرده نمی شود.

و این هم توضیحات در مورد لقب شهید: لقب شهید به کسانی داده می شوند که در راه الله متعال و میدانهای نبرد جان های شان فدا کرده باشند.

شهید کسی گفته می شود بخاطر سربلندی مسلمانان و بدست آوردن رضای الله متعال جان خود را از دست داده باشد این بلند ترین درجه شهادت است و شهید اصلی شمرده می شود. که فضائل و امتیازات و جوائز زیاد دارد از جمله:

شهادت درجه بسیار عالی و بلند است که الله متعال به کسانی عطاء می کند که واقعا مستحق آن باشند و آنها در حقیقت بهترین مسلمانان هستند که به این درجه انتخاب شدند: "وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ"^{۴۹} تا اینکه الله متعال بداند کسانی را بشکل واقعی ایمان آوردند و از بین شان شهیدان را اختیار کند بعد از بررسی ایمان شان.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح فضیلت شهادت را چنین بیان میکند: "لشَهِيدٍ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ: يَغْفِرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ، وَيُرَى مَقْعَدَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيَأْمَنُ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ، وَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ، الْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَيُزَوَّجُ اثْنَتَيْنِ وَسَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَيَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقْرَبِهِ"^{۵۰} شهید شش امتیاز دارد که عبارت است از: گناهانش بخشیده می شود همین که مرمی می خورد تنها قرض می ماند، جایگاهش را در جنت می بیند، از عذاب قبر در امان می ماند و مستقیم به جنت میرود، از ترس و بیم و خوف روز قیامت در امان میماند، و بر سرش تاج زیبای

^{۴۹} - سورة آل عمران: ۱۴۰.

^{۵۰} - سنن ابن ماجه، كتاب الجهاد، باب فضل الشهادة في سبيل الله، رقم الحديث: (۲۷۹۹)، (ج ۲، ص ۹۳۵).

از یاقوت گذاشته میشود که از دنیا وما فیها کرده هم بهتر است، وبا هفتاد ودو زن حوران جنت ازدواج میکند، ونیز هفتاد نفر از اقارب ودوستان خود را شفاعت نموده به طرف جنت سوق میدهد.

- ونیز برای اینها هم الله متعال درجه شهادت نصیب فرموده ودر احادیث صحیح ثابت است که عبارت اند از :

- کسی به اثر مریضی طاعون وفات کرده باشد.
- به اثر شکم دردی وفات کرده باشد.
- در آب غرق شده باشد.
- به اثر افتادن خانه ودیوار مرده باشد.
- به اثر سوختگی وحریق وفات نموده باشد.
- خانم مسلمان حامله به اثر حملش که وفات شده باشد.
- کسی که بالایش تجاوز شده باشد وهنگام دفاع کردن از نفس خود کشته شده باشد.
- کسی از مال خود دفاع میکرده در مقابل دزدان وغاصبان وکشته شده.
- فوت کردن خانمان بعد از ولادت به اثر دردهای نفاس نیز درجه شهید را دارد.
- کسی که به مرض سل وفات می کند.
- کسی که از بالای اسپ ویا مرکب افتیده باشد در هنگام رفتن وسیر وسفر.
- وکسی که در حالت مظلومیت وبه ظلم کشته شده باشد.

- وفات نموده به اثر مریضی قولون نیز درجه شهادت دارد.

اما درجه شهادت دادن به هرکس وشهید خطاب کردن جواز ندارد..این مسئولیت است که مسلمان پرسیان می شود..باید احتیاط نمود. وبه شخص غیر مستحق ومبتدع لقب شهید دادن گناه است.



خواندن اول و آخر سوره بقره در سر و پای میت

برادر محترم ما استاد عبد الناصر واحدی از ولایت تخار سوال نموده:

در سرقبرمیت اول سوره بقره وبه طرف پای قبرمیت آخرسوره بقره رامیخوانند این چه حکم دارد؟

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله، أما بعد:

این عملکرد وفعل نامشروع ومخالف سنت در جنازه وتدفین نه تنها برای مرده مسلمان ثواب نمی رساند بلکه کسانی آنرا انجام میدهد مرتکب گناهی می شود که او را به طرف آتش دوزخ سوق میدهد.



فهرست موضوعات

صفحه	عناوین
۱.....	رهنمائی شرعی در مورد اعلانات فوتی.....
۲.....	آیا شوهر و زن بعد وفات یکدیگر را غسل داده می توانند؟.....
۳.....	جنازه خنثی مشکل.....
۴.....	شیوه و طریقه شرعی نقل دادن میت دفن شده از یکجا به جای دیگر.....
۵.....	موقف شریعت در مورد جنازه خواندن و اعاده دفن اموات.....
۶.....	شروط اشتراک خانمها در نماز جنازه.....
۸.....	طریقه شرعی تکفین و دفن جنازه شهداء در روشنی مذهب حنفی.....
۱۰.....	آیا خواندن نماز جنازه یک میت دو مرتبه جواز دارد؟.....
۱۱.....	نماز جنازه غائبانه.....
۱۱.....	ادای نماز جنازه در داخل مسجد.....
۱۲.....	خواندن نماز جنازه بدون خواندن سوره فاتحه درست است.....
۱۳.....	آوردن کفن آلوده با آب زم زم کدام فضیلت و ثواب ندارد.....
۱۴.....	آیا دفن کردن جنازه هنگام شب مکروه و یا حرام است؟.....
۱۵.....	آیا فاتحه خوانی و تعزیت دادن به شکل مروج فعلی اساس شرعی دارد؟.....
۱۷..	خواندن سوره یس بالای مرده و یا مریض در حالت جان کندن در حدیث صحیح ثابت نیست ..
۱۹.....	برای مسلمان جواز دارد که غیر مسلمانان را نیز تعزیت کند.....

- ۲۱ خود کشی و انتحار
- ۲۱ آیا برای مسلمان مقیم اروپا جایز است که از بیمه تدفین جنازه استفاده نماید؟
- ۲۳ رفتن خانمها برای تعزیت دادن خانواده میت
- ۲۳ برگزاری مجلس تعزیت وفاتحه خوانی در مساجد که جای عبات و ذکر است جایز نیست
- ۲۶ اسقاط دادن بدعت است
- ۲۸ حيله اسقاط
- ۳۰ شیوه مشروع ثواب رسانی به مرده ومیت قرار ذیل است
- ۳۱ غصب زمین میت در قالب اسقاط
- ۳۱ جنجال ملاهای کوتل خیرخانه در مورد اسقاط
- ۳۴ آیا ثواب نماز نفلی وتلاوت قرآن به مرده میرسد؟
- ۳۵ آداب زیارت مقبره برای خانمها
- ۳۷ آداب واحکام زیارت مقبره مخصوص مردها و خانمها
- ۴۰ حکم کسی که در حالت عاشقی بمیرد
- ۵۵ حکم شهید گفتن کمونیستها
- ۵۶ حد و حدود شرعی که بنده در مورد روح معلومات داشته باشد
- ۵۹ خیراتهای جمعه گی و چهلم
- ۶۲ وصیت میت اگر مخالف شریعت باشد به آن عمل نشود
- ۶۳ پوشانیدن مرده ها و تابوتها با چادر و تکه کلمه دار
- ۶۵ وصیت میت که باید در فلان مقبره دفن شود

- ۶۵ حکم کسی که در حال جنابت وفات شده باشد
- ۶۶ چگونگی برخاستن انسان در روز قیامت
- ۶۹ آداب تعزیت دادن به اهل و خانواده میت و مرده مسلمان
- ۷۲ بنام شام حلوا در شب وفات مرده
- ۷۲ آتش بازی بالای جنائز رهبران پیشین و حاملین آن
- ۷۴ حکم نقل اموات
- ۷۶ آیا وجود چهل نفر برای نماز جنازه شرط است
- ۷۷ گریه و نالان شیوه ثواب رسانی نیست
- ۷۹ وظیفه رفتن در حالت عده
- ۸۱ لقب شهید به کیها داده می شود؟
- ۸۴ خواندن اول و آخر سوره بقره در سر و پای میت

<https://web.facebook.com/fazlullah.omar>

فضل الله ممتاز غفر الله له ولوالديه